



نشریات مستقل در معرض فشارهای جدید

بار دیگر بخشی از مطبوعات کشور که در موضع دفاع از رژیم اسلامی قرار ندارند، تحت فشار قرار گرفته اند. خبرهای رسیده نشان می دهد که این بار فشارها جوانب مختلفی یافته است. بنوشته روزنامه سلام نشریه راه مجاهد توقیف شد. گفته می شود این نشریه بخاطر انعکاس وقایع اخیر قم و طرح نظرات آیت الله منتظری از سوی دادگاه ویژه روحانیت توقیف شده است. در پی اعتراض دادستان انقلاب اسلامی تهران حکم محکومیت طراح مجله فاراد در دیوان عالی کشور نقض و جهت رسیدگی مجدد به یکی از شعب دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارجاع گردیده است. طراح مجله فاراد به یکسال حبس، ۵۰ ضربه شلاق و ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی محکوم شده بود. حزب الهی ها، روزنامه کیهان و ممدستانش شدیداً نسبت به "سبک" بودن محکومیت وی اعتراض داشتند.

حتی روزنامه های مطلقاً وابسته به حکومت نیز از گزند حزب الله در امان نیستند. به نوشته روزنامه کیهان، حزب الهی ها بعد از برگزاری نماز جمعه در روز ۱۰ اردیبهشت در مقابل اداره روزنامه اطلاعات جمع شدند و عده ای از آنان ساختمان روزنامه را سنگباران کردند. بهانه این یورش، چاپ مطلبی در اطلاعات هفتگی است زیر عنوان "چرا به بیماری روانی مبتلا شدم" همراه با عکسی که متعلق به شخصی با نام "حاج همت" است. بنوشته روزنامه کیهان این فرد جزو "شهادت" و "سرداران برجسته دفاع مقدس" است. حزب الهی ها چاپ این مطلب و عکس را اهانت به "سردار شهید اسلام" و "دفاع مقدس" تلقی کردند و از مقامات قضایی کشور خواستند که با مسببین این "اهانت" برخورد جدی صورت گیرد.

روزنامه کیهان هم چنان سیاست سرکوبگرانه خود را در مورد مطبوعات غیر حکومتی پیش می برد. این روزنامه (در شماره ۹ اردیبهشت ماه) شدیداً به مجله کیان بخاطر مصاحبه با مهندس بازرگان حمله نموده و از وزارت ارشاد اسلامی خواستار برخورد جدی با این گونه نشریات شده است.

همراه با تهاجمات حزب الهی ها و فشارهای سیاسی، اعمال فشارهای اقتصادی نیز در مورد تعدادی از نشریات افزایش یافته است. گفته می شود وزارت ارشاد سهمیه کافذ نشریات آدینه و ایران فردا را قطع کرده است و آنها مجبورند تمام کافذ مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه نمایند. آدینه در شماره های قبلی خود خطر تعطیل نشریه را طرح نموده بود. مطبوهاتی که به رژیم وابسته نیستند و از کمک های آن برخوردار نمی شوند، شدیداً تحت فشار مالی قرار دارند. تیراژ پایین آنها و عدم برخورداریشان از آگهی های دولتی به آنها اجازه نمی دهد که بتوانند هزینه های نشریه را تامین نمایند. علاوه بر اینها به شدت در حال افزایش است و آنها در معرض خطر تعطیل قرار دارند. وزارت ارشاد اسلامی در چنین شرایط بحرانی برای اعمال فشار و به تعطیل کشاندن نشریات مستقل از ابزار سهمیه کافذ سود می جوید. به نوشته مطبوعات کشور با اعمال این سیاست ها روزنامه ها برای حفظ توان مالی فعلی خود باید قیمت هر شماره نشریه را به ۳۰ تومان افزایش دهند.

رژیم اسلامی تنها در هرص مطبوعات و کتاب روزنه تنگی برای فعالیت دگراندیشان گشوده بود که آنهم دائماً در معرض تهاجم ادامه درصقمه ۲

اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

اجلاس چهار روزه وزرای خارجه کشورهای کنفرانس اسلامی در کراچی پاکستان روز پنجشنبه ۹ اردیبهشت با تصویب قطعنامه ای به کار خود پایان داد. مسائلی چون بوسنی هرزه گوین، فلسطین و مذاکرات صلح خاورمیانه و مسئله تروریسم و بنیادگرایی اسلامی از موضوعات مهم دستور کار یا مورد بحث در این اجلاس بود. در قطعنامه پایانی، کشورهای عضو خواستار لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی و تعیین مهبر برای ارسال سلاح به این جمهوری یوگسلاوی سابق شده اند. در قطعنامه از جنبش فلسطین و تبعید شدگان فلسطینی حمایت شده اما موضع مخالف جمهوری اسلامی با مذاکرات صلح خاورمیانه با بی امانی کامل سایر اعضا روبرو گردیده است. علاوه بر این، مسئله بنیادگرایی اسلامی و

نارضایتی از سیاستهای اقتصادی دولت بالا می گیرد

هشدار خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در مورد خطر اخراجهای جمعی کارگری

بهای کود شیمایی و سموم کشاورزی تا بیست برابر افزایش یافت

دولت در برابر اعتراض مردم به گرانی شیر و کود شیمیایی عقب نشست

با گذشت دو ماه از سال جدید، بتدریج برخی از آثار اجرایی سیاست تک نرخی کردن ارز نمایان تر می شود. مسئولین دولتی مدعی اند که سیاست تک نرخی کردن ارز مطابق با برنامه پیش می رود و برنامه ریزی های ضروری و امکانات لازم برای اجرای آن فراهم است. اما دستورالعمل ها و بخشنامه های دولتی که طی دو هفته گذشته صادر شد حکایت از سردرگمی و عدم برنامه ریزی لازم در این جهت میکند.

روز یکشنبه ۵ اردیبهشت ماه اعلام شد که مبنای محاسبه حقوق و مزایای کارکنان دولتی واداری برای سراسر سال ۷۲ همچنان بر مبنای دلاری ۷۰ ریال خواهد بود. این تصمیم که نشانگر دوام نرخ های متفاوت ارز در بخش نه چندان کم اهمیتی از

ادامه درصقمه ۲

بررسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری آغاز شد

ثبت نام از داوطلبین ششمین دوره ریاست جمهوری از روز شنبه ۱۱ اردیبهشت آغاز شد. طی مدت ۵ روز زمان تعیین شده، ۱۲۸ نفر خود را برای انتخابات کاندید کردند. طبق گفته وزیر کشور شورای نگهبان طرف ۵ تا ۱۰ روز پس از پایان مهلت ثبت نام صلاحیت و یا عدم صلاحیت کاندیدها را به وزارت کشور اعلام خواهد کرد. قرار است طی مدت ۴۸ ساعت بعد از اعلام نظر قطعی شورای نگهبان اسامی افراد تایید شده اعلام و تبلیغات آغاز شود. ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱ خرداد انجام خواهد شد و شروع رسمی کار رئیس جمهور پس از "تنفیذ" خامنه ای در تاریخ ۱۲ مرداد خواهد بود.

هنوز اسامی افراد داوطلب انتشار نیافته است، اما با توجه به فضای کنونی بنظر نمی رسد که به جز هاشمی رفسنجانی، مدعی جدی دیگری برای این انتخابات وجود داشته باشد. جناحهای قدرتمند حکومتی بر سر انتخاب رفسنجانی توافق کرده اند، ادامه درصقمه ۳

امریکا به شاهرودی اجازه ورود نداد

حجت الاسلام شاهرودی از ورود به امریکا منع شد. وی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس شورای اسلامی است که بعنوان عضو هیات ایرانی به سرپرستی محسن نوربخش برای شرکت در اجلاس صندوق بین المللی به امریکا رفته بود. با وجود اینکه شاهرودی روایت معتبر داشت ولی مقامات فرودگاه امریکا او را به دلیل خاک امریکا مخالفت بعمل آوردند. مقامات امریکایی هیچ توضیحی در این زمینه ارائه ندادند.

اقدام امریکا خشم مقامات جمهوری اسلامی را برانگیخت. سفیر سوئیس بعنوان حافظ منافع امریکا به وزارت خارجه فرا خوانده شد و از طریق او نسبت به معانعت از ورود شاهرودی به امریکا اعتراض شد. محسن نوربخش نیز شکایت نامه ای تسلیم رئیس صندوق بین المللی پول کرد. بدنبال آن ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای به "رفقار اهانت آمیز" امریکا نسبت به هیات شاهرودی بعد از بازگرداندن

شدن به ایران طی مصاحبه ای اظهار داشت که "مامورین امریکایی از من خواستند نامه ای که به زبان انگلیسی بود، امضا کنم و من با وجود تمهیدهای مامورین امضا نکردم." گفته شاهرودی مامورین ابتدا او را در سلولی واقع در دفتر اداره مهاجرت امریکا زندانی کرده و سپس دستبند به دست به زندانی واقع در ۳۰ کیلومتری واشنگتن منتقل کردند و سرانجام بعد از ۳۰ ساعت بازداشت او را به ایران برگرداندند.

در ظرف شش سال هزینه سرانه واقعی دانشجویی چهل درصد کاهش یافته است

مدت تحصیلات دانشگاهی یک ترم کاهش می یابد

مدت تحصیل در دانشگاههای کشور یک ترم کاهش خواهد یافت و واحدهای درسی از ۱۴۰ تا ۱۴۸ واحد فعلی به ۱۳۰ تا ۱۳۵ واحد تقلیل پیدا خواهد کرد. معاون آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ضمن اعلام این خبر افزود: برنامه های آموزشی مراکز آموزش عالی کشور، که تعداد آنها در حال حاضر ۸۵ موسسه است، در حال بازنگری است و پس از تصویب های شورایی عالی برنامه ریزی، احتمالاً از مهر ماه امسال به اجرا گذارده خواهد شد. وی توسعه تحصیلات تکمیلی، ایجاد و توسعه رشته ها و دانشکده های علمی و کاربردی توسعه و گسترش آموزش عالی در مناطق محروم کشور و تلاش برای ارتقاء سطح علمی دانشگاههای موجود از ۱۰ درصد بودجه کل

این شماره پذیرش تفکیک واقعی بین چپ و راست شرط اصلی تفاهم درصقمه ۶ پاسخی کوتاه به ادعای بزرگ درصقمه ۶ ملاحظاتی پیرامون جهات عمومی برنامه توسعه درصقمه ۷

نامه منتظری به گلیاگانی

آیت الله منتظری نامه ای به آیت الله گلیاگانی در مورد اقدامات خامنه ای در رابطه با حوزه ها ارسال داشته است که حکایت از اعتراض بخشی از روحانیون قم دارد. او در نامه گفته است: "عظمت حوزه های علمیه شیعه، همیشه مرمون استقلال آنها و جدایی از مراکز قدرت بوده است. معیار فضیلت ها در حوزه های علمیه باید درجات علمی و تقوی و جنبه های معنوی و بزرگ منشی اشخاص باشد. ... ولی متأسفانه مشاهده می شود که سیر حوزه قم به سمتی است که در آینده چیزی شبیه به حوزه های دولتی اهل سنت خواهد شد که از خود استقلال ادامه درصقمه ۳

مانور ده روزه در آبهای خلیج فارس

مانور ده روزه نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی در آبهای خلیج فارس چهارشنبه هفته گذشته به پایان رسید. این مانور که "پیروزی ۴" نام گرفته بود در منطقه لاون به اجرا درآمد. روزنامه های تهران از این مانور بعنوان "جنگ الکترونیک و موشکی" یاد کردند که در آن "۳۴ هزار رزمنده" ارتش و سپاه شرکت داشتند. شمعیانی فرمانده نیروی دریایی حکومت، "گسترده گی محورهای عملیاتی مانور، بکارگیری تجهیزات نوین، حمایت گسترده سایر نیروهای مسلح، بکارگیری

یادداشت

سازش در بالا

ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با روزنامه تهران تایمز گفته است که "بشالله رفسنجانی در انتخابات پیروز خواهد شد" او در این مصاحبه اظهار نموده است که نمایندگان مجلس در مورد برخی از وزیران فعلی نظراتی دارند و من معتقدم رئیس جمهوری فعلی هنگام معرفی کابینه به مجلس برای اخذ رای اعتماد، نام برخی از وزرا را حذف خواهد کرد.

اظهارات رئیس مجلس بوضوح نشان می‌دهد که نه تنها مسئله انتخاب رئیس جمهور از قبل حل شده است، بلکه بر سر حذف تعدادی از وزیران کابینه نیز توافق صورت گرفته است و از هم اکنون معلوم شده است که چه کسانی کنار گذاشته خواهند شد.

در حقیقت این توافق میان رفسنجانی، مجلس شورا، خامنه‌ای و جناح رسالت صورت گرفته است. آنها پذیرفته‌اند که از رفسنجانی حمایت بعمل آورند و رفسنجانی نیز همدلی از وزیران را که مورد مخالفت طرف مقابل است، کنار بگذارد. مجلس شورا با چند تن از وزیران کابینه رفسنجانی سرنازگاری دارد ولی تاکنون موفق به برکناری آنها نشده است. خامنه‌ای و جناح رسالت می‌خواهند رفسنجانی هم چنان در راس قوه اجراییه بماند ولی سیاستهای آنها را پیش ببرند.

ناطق نوری زمانی این سخنان را اظهار داشت که هنوز نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مشخص نشده بود و ثبت نام از داوطلبین ادامه داشت، یعنی در حقیقت رئیس جمهور آینده کشور در نوک هرم حکومتی انتخاب شده و بده بستن انجام گرفته است. ثبت نام از داوطلبین، حذف اکثریت آنها توسط شورای نگهبان و حفظ نام همدلی از آنها و سپس انجام انتخابات تنها صحنه‌هایی از نمایش انتخابات ریاست جمهوری هستند که می‌خواهد به اجرا درآید.

مسئله اصلی سه‌ان رژیمنه انتخاب رئیس جمهور از میان کاندیداهای متعدد، بلکه کشاندن تماشاگر هر چه بیشتر به صحنه این نمایش است که به مردم و جهانیان باوراند که اولاً انتخابات نسخه اصلی است نه بدل، ثانیاً مردم وسیعاً در این نمایش حضور دارند و از نظام "حمایت" میکنند، ولی آش آنچنان شور شده است که صدای "درونی‌ها" هم درآمده است. در واکنش به این صداهاست که ناطق نوری در بندرعباس در مسجد امام میگوید: همدلی زمره میکنند که در صورت کاندیدا شدن آقای هاشمی رفسنجانی پیروزی او قطعاً بگذارد تا دست او در پیشبرد است، پس دلیلی برای این همه

رفسنجانی برنامه اقتصادی و اجتماعی خود را که عمدتاً برگرفته از برنامه صندوق بین المللی پول است، می‌خواهد پیش ببرد. این برنامه مردم را به فلاکت نشانده و ضربات کاری بر اقتصاد کشور وارد آورده است. در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی زندگی مردم نه تنها بهبود نیافته است، بلکه بشدت افت کرده و تورم بطور لجام گسیخته افزایش یافته است. رژیم اسلامی که ناطق نوری در بندرعباس در مسجد امام میگوید: همدلی زمره میکنند که در صورت کاندیدا شدن آقای هاشمی رفسنجانی پیروزی او قطعاً بگذارد تا دست او در پیشبرد است، پس دلیلی برای این همه

جانب کویت با مشارکت نیروهای آمریکا و نیز نیروهای مسلح امارات در سواحل فربوی و جنوبی خلیج فارس اجرا گردید. منطقه خلیج فارس که در دو سال پس از جنگ خلیج فارس شاهد مسابقه تسلیحاتی بی سابقه و خرید انبار انواع سلاح بود، اکنون با مانورهای نمایش قدرت روبروست.

مانور ده روزه در آبهای خلیج فارس

ادامه از صفحه ۱ تاکتیک‌های مرکب همیلتی بمنظور ارزیابی امکانات جدید دریایی و زیردریایی را از خصوصیات و ویژگی اصلی این مانور ذکر کرد. مانور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در آبهای خلیج فارس چند روزی پس از آن صورت گرفت که سلسله مانورهای ا

نارضایتی از سیاستهای اقتصادی دولت بالامی گیرد

ادامه از صفحه ۱

میلیارد دلار خواهد رسید. اما کارشناسان اقتصادی و منابع فربوی طرف معامله با ایران، علیرغم اینکه ادعاها هم چنان وضعیت ارزی دولت را بحرانی توصیف می‌کنند، به گزارش خبرگزاری فرانسه کارشناسان فربوی می‌گویند درآمد سالانه ارزی ایران به هیچ وجه بیش از ۱۸ میلیارد دلار نیست در حالیکه این کشور در سال ۱۹۹۱ با توسل پی در پی به اعتبار نامه، ۲۸ میلیارد دلار واردات کالاها و خدمات داشته است. خبرگزاری مذکور می‌افزاید: جمهوری اسلامی قادر به ادای تمامی تعهدات خود نبوده و از تابستان گذشته ۷ الی ۸ میلیارد دلار نزد اعتبار دهندگان اوراق بدون پرداخت داشته است که تا تابستان آینده باز هم افزایش خواهد یافت. این وضعیت طی چند ماه گذشته موجب فروپاشی روابط بازرگانی ایران با همکاران خارجی اش شده است. در چنین شرایطی تصمیم دولت به کنترل بازار آزاد ارز و تامین ارز مورد نیاز وارد کنندگان از طریق بانکها تا حدود زیادی ناممکن به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر همه گزارشها حاکی از تشدید نگرانی مردم از افزایش قیمت، تورم و اوضاع ناسامان و بی ثبات اقتصادی است. در دو هفته اخیر چندین کالا به میزان قابل توجهی گران شد. نهم اردیبهشت به دستور شورای اقتصاد بهای شیر پاستوریزه در تهران افزایش یافت. شیشه‌های نیم لیتری شیر از ۱۲۰ ریال به ۲۰۰ ریال و شیر پاکتی یک لیتری از ۵۵۰ ریال به ۶۰۰ ریال رسید. افزایش بهای شیر نارضایتی شدیدی را نارنجکبختی خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز طی گزارشی به آن اشاره کرد. بهای شیر ظرف یک سال سه بار افزایش یافته و از ۲۰۰ ریال به ۲۲۰ ریال (قیمت فروش در مغازه‌ها) رسیده است. نارضایتی مردم دولت را موجب کرد که قیمت شیر را مجدداً "تعدیل" کند. روز ۱۵ اردیبهشت سخنگوی دولت اعلام کرد قیمت شیشه‌های نیم لیتری شیر در تهران ۱۵۰ و در شهرستانها ۱۲۰ ریال خواهد بود. علیرغم این "تعدیل" گرانی شیر به مقدار ۲۵ درصد تثبیت شد. از جمله موارد دیگر افزایش قیمت، افزایش بهای روغن نباتی ۵ کیلویی از ۶۰۰۰ ریال به ۷۰۰۰ ریال بوده است. به نوشته روزنامه‌های تهران قیمت کافئ نیز از هدی ۱۷۰۰ تومان به ۲۵۵۰ تومان رسیده است. و این امر بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات را در خطر تعطیل قرار داده است.

آثار مخرب سیاستهای اقتصادی دولت به ویژه در بخشهای کشاورزی و صنایع به چشم می‌خورد. به نوشته روزنامه‌های تهران، طی هفته‌های اخیر بهای کود شیمیایی و سموم کشاورزی بین ۱۱ تا ۲۰ برابر افزایش یافته است. همزمان با آن موارد متعددی از اعتراضات سوی کشاورزان رخ داده است. این اعتراضات باعث شد که دولت در این زمینه نیز به کاهش قیمتها اقدام کند. روز سه شنبه ۷ اردیبهشت، از زبان دکتر انجلی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس

نشریات مستقل در معرض فشارهای جدید

ادامه از صفحه ۱

حزب الهی‌ها و تاریک اندیشان قرار داشت. آن تعداد از کتابها که توسط نویسندگان غیر وابسته انتشار می‌یابد، از تیراژ فوق العاده پائین برخوردار هستند. بطل مختلف از جمله بالا رفتن هزینه‌های زندگی و قیمت کتاب، تیراژ کتاب بشدت پایین آمده و به حدود هزار جلد رسیده است. عده کمی کتابهای این دسته از نویسندگان را مطالعه می‌کنند. برد کتاب در جامعه ما فوق العاده محدود است. مطالعات وضع بهتری نسبت به کتاب دارند. اما بیش از ۹۵ درصد رسانه‌ها تحت کنترل رژیم اسلامی است. تمام روزنامه‌های نظامی اسلامی هستند و تنها معدودی نشریات از آن دگر اندیشان است. رژیم اسلامی و نیروهای وابسته به آن قادر به تحمل این نشریات هم نیستند. نشریاتی که برای حفظ حیات خود مجبورند خود سانسوری را در پیش گیرند.

این نشریات از همه سو تحت فشارند: از یکسو از جانب ارگانهای حکومتی نظیر وزارت ارشاد اسلامی، قوه قضائیه و دادگاه ویژه روحانیت و از سوی دیگر حزب الهی‌ها و چماق بدستان، برای این دسته از مطبوعات همواره این خطر وجود دارد که دسته‌ای از حزب الهی‌ها مطلبی را مقابله‌ای از رژیم اسلامی تلقی کنند و با چوب و چماق به دفترشان بریزند و کارکنان نشریه را مورد ضرب و شتم قرار دهند و یا اینکه بمب کار بگذارند. به علاوه این نشریات مرتباً در معرض اتهامات و پرونده سازی‌های هم صنف هایشان بویژه روزنامه کیهان و کیهان هوایی قرار دارند. فشار مالی از جمله هزینه‌های سرسام آور کافذ و چاپ و قطع سهمیه کافذ توسط وزارت ارشاد اسلامی به این فشارها افزانه شده است.

آنچه معلوم است فشار بر مطبوعات و بویژه بر نشریات مستقل در حال افزایش است و نیروهای تاریک اندیش بر تلاش‌های خود جهت به تعطیل کشاندن این نشریات افزوده‌اند. تحولات سیاسی در درون حکومت در یکسال اخیر بسود نیروهای پیش رفته است که حتی تحمل موجودیت معدود نشریات مستقل را هم ندارند. این وضع موجب نگرانی دست‌انکاران این نشریات و نیروهای مترقی کشور شده است.

اعتراضات دانشجویی در تهران و تبریز

روز ۸ اردیبهشت دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در اعتراض به رفتار اهانت بار مسئولین دانشگاه و بازرسی کیفها و لوازم شخصی شان دست به اعتراض زده و در محل دانشگاه تجمع کردند. مسئولین دفتر فرهنگ اسلامی دانشکده، هنگام ورود دانشجویان به دانشگاه اقدام به بازرسی کیف و لوازم شخصی دانشجویان می‌کنند. این اقدام توهین آمیز بارها مورد مخالفت و اعتراض دانشجویان قرار گرفته بود. اما در پس هر اعتراض فردی مسئولین دفتر فوق، رفتار تحقیر آمیزتری از خود بروز دادند تا سرانجام این اعتراضات به اعتراض جمعی دانشجویان فراروئید. دانشجویان این دانشگاه هدم مدیریت صحیح را اصلی ترین مشکل واحد دانشگاهی خود می‌دانند. مسئولین دانشگاه در مقابل هر انتقاد، به عکس العمل تحقیر آمیز و تهدید دانشجویان به اخراج از دانشگاه توسل می‌جویند. دانشجویان دانشگاه صنعتی

هزینه سرانه واقعی دانشجویی

ادامه از صفحه ۱ چهل درصد کاهش یافته است

سال ۶۴ تنها ۲۵ هزار تومان بوده است. بودجه اختصاص یافته به آموزش عالی و کمک هزینه‌های دانشجویی قادر نیست بار هر چند کوچکی از دوش دانشجویان که با انواع مشکلات معیشتی مواجه‌اند بردارد. به گفته معاون امور دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۷۱ قریب ۱۵۷ هزار مورد وام تحصیلی دانشجویی پرداخت شده که کمتر از ۲۰ درصد از دانشجویان را شامل می‌شود. میزان این وام برای دانشجویان مجرد ۱۵۰۰ تومان و برای متاهلین ۲۰۰۰ تومان است. مشکلات بیشمار، نارضایتی دانشجویان را تشدید کرده و ستیز آنان با ارزشهای تبلیغی

سهند تبریز نیز به دلیل هدم رسیدگی مسئولین دانشگاه به مشکلات و خواستهای خود دست به اعتراض زدند و کلاسهای درس را تحریم کردند. و نسبت به اجباری بودن واحدهای درسی و رفتار مستبدانه مسئولین اعتراض نمودند. علاوه بر موارد فوق، نحوه سرویس دمی و گران شدن نرخ ایاب و ذهاب و ارائه غذاهای فاسد در سلف سرویس دانشگاه از دیگر موارد مورد اعتراض دانشجویان بوده است. دانشجویان معترض اعلام کردند که تا دریافت پاسخ مثبت از سوی مسئولان دانشگاه، به تحریم کلاسها ادامه خواهند داد. از سوی دیگر مدیریت دانشگاهها خواست دانشجویان از آزادی در انتخاب واحدها را کافی آنگاه به مسایل آموزشی خواند و دیگر مطالبات آنها را نیز ناشی از تک نرخی شدن ارز دانسته و رد کرد. در دانشگاه صنعتی سهند تبریز ۲۵۰ دانشجو در رشته‌های مهندسی پتروشیمی و مهندسی مواد به تحصیل اشتغال دارند.



## عفو بین الملل در خواست می کند

محکم اعدام برای سلیم صابرنیا و مصطفی قادری به تایید دیوان عالی کشور رسید. آنها مرگ خود را انتظار می کشند

مشکنجه، محاکمه غیر عادلانه و خطر مرگ جان عبدالله باقری - از مسئولین اصلی کوموله - را تهدید می کند.

سازمان عفو بین الملل طی نامه مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۳ از همگان در خواست کرده است برای نجات جان سلیم صابرنیا و مصطفی قادری از هیچ تلاشی دریغ نوزند. آنها در دادگاه انقلاب اسلامی تبریز باستناد مواد ۱۸۳، ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون مجازات عمومی، محکوم به اعدام شده بودند اما گویا پس از دسترسی به وکیل مدافع و بنا به فرجام خواهی وی پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و مورد بررسی قرار می گیرد. دیوان عالی کشور روز ۲۹ اسفند ۱۳۷۱ رای دادگاه تبریز را تأیید کرده و

بدین ترتیب آنها اکنون در آستانه مرگ قرار گرفته اند. سلیم صابرنیا و مصطفی قادری که هر دو از اعضای کوموله هستند در سال ۱۹۹۱ در اطراف پیرانشهر، هنگام خروج از کشور در مرز ترکیه بازداشت شده و تمام این مدت را در تبریز و ارومیه در زندان بوده اند. عفو بین الملل در نامه دیگری به تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۹۳ نگرانی شدید خود را نسبت به نوع رفتار با آقای عبدالله باقری تکرار کرده است. بنا به گزارش عفو بین الملل عبدالله باقری از اعضای اصلی رهبری سازمان کوموله است و در

## هیات پارلمانی جمهوری اسلامی در المان

اقامت ۴ روزه هیات پارلمانی جمهوری اسلامی در المان، هفته گذشته پایان رسید. این هیات که سرپرستی آترا حسن روحانی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی بر عهده داشت، با مقامات مختلف پارلمانی و دولتی المان دیدار و پیرامون مناسبات دو دولت در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به مذاکره پرداختند. در اعلامیه ای که از طرف دفتر صدراعظم المان انتشار یافت به علاوه بر مسائل یاد شده، در زمینه مسائل کنونی، زندانیان و مسئله حقوق بشر نیز میان طرفین مذاکره صورت گرفته است. هیات جمهوری اسلامی در این سفر علاوه بر ملاقات با مقامات پارلمان المان با تعدادی از وزرا از جمله وزیر خارجه المان، اشمید باور مسئول هم آهنگی سازمان های اطلاعاتی و امنیت المان و نیز هلموت کل صدراعظم آن کشور دیدار و گفتگو داشته است. در پایان این سفر خبرگزاری ها از قول منابع دولت المان گزارش دادند که "عباس حمادی" تروریست لبنانی که در المان زندانی است در مرداد ماه

## اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

ادامه از صفحه ۱

متن قطعنامه پایانی اجلاس کراچی بدلیل مغایرت بسیاری از مواد آن با مواضع جمهوری اسلامی بویژه در زمینه تروریسم و بنیادگرایی، مذاکرات صلح خاورمیانه و مسئله سلمان رشدی، در روزنامه های جمهوری اسلامی انتشار نیافت. ولایتی در بازگشت از کراچی در گفتگویی با خبرنگاران ادعا کرد که اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی از حکم خمینی در باره سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی حمایت کرده است، در حالیکه اجلاس کراچی تنها به اظهار تاسف از انتشار کتاب آیات شیطانی بسنده کرده است. بنا به اظهارات ولایتی اجلاس کراچی هم چنین طرحی برای "همه گیری کشورهای اسلامی در زمینه حقوق بشر" به تصویب رسانده که در آن بر لزوم "رعایت حقوق بشر با حفظ ارزش های اسلامی" تأکید شده است.

## امجد سهراب نژاد را آزاد کنید!

بر اساس خبر رسیده، اواخر بهمن ماه آقای امجد سهراب نژاد به اتهام فعالیت برای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) توسط سپاه پاسداران شهر سنجند دستگیر شده و در بازداشت به سر می برد. از محل بازداشت وی اطلاعاتی در دست نیست و خانواده وی نگران وضع اوست. ما ضمن ابراز نگرانی شدید از بازداشت آقای سهراب نژاد، این پرونده سازی را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی بیدرنگ ایشان هستیم.

## "بررسی صلاحیت" داوطلبان ریاست جمهوری آغاز شد

ادامه از صفحه ۱

مخالفین درونی رژیم کاندیدایی معرفی نخواهند کرد و احزاب و گروه های مخالف نیز اجازه معرفی کاندیدا ندارند. پیش بینی ها ناظر بر آن است که بخش عمده ای از داوطلبین توسط شورای نگهبان "رد صلاحیت" خواهند شد و تنها عده معدودی برای آنکه نقش رقیب رفسنجانی را بازی کنند، در لیست داوطلبین باقی خواهند ماند. طبق سنت دوره های پیشین از این عده نیز گروهی به نفع رفسنجانی کنار خواهند رفت!

همزمان با این انتخابات قرار است انتخابات میان دوره ای مجلس چهارم نیز صورت گیرد. انتخابات میان دوره ای مجلس در ۱۱ آذر ماه آغاز و تا ۷ روز ادامه خواهد داشت. پیش بینی می شود که برای تصاحب کرسی های مجلس رقابت داغ تری نسبت به پست ریاست جمهوری که از هم اکنون نتیجه آن مشخص است، صورت گیرد.

## امریکا ۲۳ جنگنده اف-۴ به ایران فروخته است

فاسد بوده است. پس از انقلاب کوبا و توسط سیا روی کار آمد و ۳۵ سال در اسارت قدرت و تحت حمایت بیدریغ امریکا بود تا اینکه در سال ۱۹۸۹ از هم توسط مقامات نظامی سرنگون شد. پاراگوئه یک کشور فقیر ۵ میلیونی، تحت نفوذ شدید امریکا و برزیل است که نیروی هوایی بسیار کوچکی دارد و همه میدانند که این کشور نه احتیاجی به ۲۳ فروند فانتوم سی ۵۰ و نه هواپیمای سی ۱۳۰ داشته و نه قدرت خرید آن را. لذا باید انتظار کشید روزی را که اسناد وزارت خارجه و وزارت دفاع امریکا انتشار یابند و نشان دهند که چگونه دولت ریگان با هدف شعله ور نگاه داشتن جنگ ایران و عراق و به نابودی کشاندن مردم و منابع هر دو کشور - علیرغم ظاهر فریبدهی خود - از طریق دولت های فاسد دست نشانده سیاستی جنایتکارانه و ضد بشری را دنبال کرده است.

اخیر اسنادی از آرشیو وزارت دفاع پاراگوئه - کشور کوچک و عقب مانده ای در قلب جنگل های آمازون - به بیرون درز کرده است که نشان می دهد چگونه در سال ۱۹۸۴ ظاهراً رئیس ستاد ارتش این کشور ۲۳ فانتوم سی ۵۰ و ۴۸ و ۴ هواپیمای باربری سی ۱۳۰ را به پنتاگون سفارش داده است، اما ۲۳ فانتوم بدون اینکه به پاراگوئه پرواز کنند، پس از توقف کوتاهی در اسپانیا و بازرسی توسط مقامات امریکایی در گروه های ۵ تایی راهی ایران شده و به دولت ایران تحویل میشوند. در باره سرنوشت تانک ها و هواپیماهای باربری اطلاعاتی درز نکرده است. پول سلاح ها نقداً از طریق یک بانک انگلیسی - فنشال وست مینستر - به پاراگوئه انتقال یافته و پس از کسر کمیسیون مربوطه به امریکا تحویل داده شده است. قابل توجه است که رژیم حاکم بر پاراگوئه یک رژیم شدیداً ضد کمونیست، و شدیداً استبدادی و

## در حاشیه رویدادها

جوابی که بازرگان میتواند دهد

مهندس بازرگان در مصاحبه ای با مجله "کیان" می گوید: "چون اینطور تصور رفته و چنین تبلیغ شده است که دین برای اصلاح و اداره امور دنیاست و خلاف آن ظاهر گشته، بسیاری از مومنین نسبت به دین و ایمان بی هلاقه شده، جوانان نیز، خدا و دین دیگر برایشان مساله نیست." روزنامه کیان حزب الهی که از بیان واقعیت سرخوردگی مردم از انقلاب اسلامی و حتی اسلام بشدت برآشفته است، در پاسخ به بازرگان به همان وسیله ای متوسل می شود که حتی پیش از مرگ خمینی هم سلاح زنگ زده بود: "روحیه سازشکاری بازرگان و کابینه اش نسبت به امریکا".

خمینی حاضر و ناظر بود که رفسنجانی براحتی مک فارلین فرستاده ریگان رئیس جمهور امریکا را وارد کشور کرد، کیک او را خورد، انجیل اش بوسید و چند روزی هم با خیال راحت در یکی از هتل های تهران با وی به مغازه و مذاکره نشست. وقتی هم ماجرا از پرده بیرون افتاد، این خود خمینی بود که با قدرت تمام از این ملاحظاتی بدور باشد!

تبدیل شدن این افتتاحیه به مسئله ای حاد برای حکومت جلوگیری کرد. لیکن با این وجود روشن نیست چرا "روحیه سازشکاری با امریکا" و "تلاش پنهانی" برای تماس با امریکا بنام مهندس بازرگان و دولت موقت وی باقی مانده است؟

مهندس بازرگان وقتی هنوز در مجلس بود با سباحت تمام و خارج از نوبت دقیقه ای وقت گرفت تا به یکی از نمایندگان مونت مجلس که خیلی در باره "لیبرال ها" شلوغ کرده بود، جواب گوید، وقتی پشت تریبون قرار گرفت جمله ای بیش نگفت: "آنکه ما... بود کلاغ... دریده بود!"

کیان حزب الهی به بسیاری "بند" می کند و نه تنها این، بلکه برای آنها پرونده می سازد. پاسخ طرفهای مقابل به کیان - اگر بتوانند - سیر ملاحظه تهر و تعصبات رژیم است که کیهانی ها تکیه به آن دارند، اما پاسخی که بازرگان می تواند به کیان دهد - همانطور که به آن نماینده داد - می تواند از بسیاری از این ملاحظاتی بدور باشد!

## نامه منتظری به گلیاگانی

مخارج هنگفت و هدف همده آن، سلب آزادی از روحانیون و هر کسی که بنحوی با آنان مربوط است...

در همین حال نشریه انقلاب اسلامی خبر می دهد که عده ای از طلاب قم اعلامیه ای علیه مشکینی پخش کرده اند. آنها در این اعلامیه گفته اند که مشکینی شخص جاه طلب و سود جوست که همواره جهت رسیدن به مقام و منصب از هیچ کاری دریغ نمی کند.

در اعلامیه آمده است: "آیا کسی نیست باین آقا بگوید: مگر چه انتقاد دوستانه و دلسوزانه از طرف آیت الله منتظری نیاز به این همه هیاهو و تحریکات داشت که مستقیماً تمامی آنچه بوقوع پیوست راهبری کردید؟ آیا اینجا نشان دهنده کینه شدید شما نسبت به آن فقیه هالیتقدر نیست؟ آیا کسی نیست باین آقای مشکینی بگوید: آیا اکنون که چندین خانه به قیمت دهها میلیون تومان خریداری نموده اید، آن منزل محقر خود را در خیابان خاک سرخ بیاد می آورید؟ آیا اکنون که فرزندان تان با صد ها میلیون تومان اموال ملت مستضعف در تهران به تجارت مشغولند، آن حصیر پوشیده را که بر روی آن می نشستید، بیاد می آورید؟ آیا اکنون که دهها میلیون دلار به بانکهای لندن ارسال داشته اید، از آن آستین پاره قبای خود که سرانجام با جمع آوری پول قبائی برای شما خریدند، چیزی بیاد می آورید؟"

به نوشته همین نشریه فیر از منتظری که هم چنان مانع تدریس او می شوند، عده ای از روحانیون از جمله فاضل لنکرانی (رئیس حوزه که بر کنار شده است)، همدانکریم موسوی اردبیلی (رئیس سابق شورایی قضایی)، سید محمود بجنوردی (عضو سابق حوزه و تدریس باز داشته شده اند.

ادامه از صفحه ۱

ندارد و حقوق بگیران حکومت ها هستند، و بالاجبار شناگوی دولت ها و ابزاری در دست مراکز قدرت و ملعبه سیاست های حاکم می باشند. ولی بالاخره وابستگی به آنها، استقلال فکری و قاطعیت را از هلمای حوزه ها خواهد گرفت."

منتظری در این نامه می گوید: "سیاست بازی و قدرت زدگی در حوزه علمیه تم بشدت رو به گسترش است و هملا بجای رشد ارزش های علمی و معنوی، وابستگی به قدرت و سیاست و شئون دنیوی رشد پیدا میکند. در حوزه های علمیه، پایگاههایی احداث شده که طلاب و محصلین ساده لوح را بصورت شناگو و زنده باد گو در می آورد. با اهدانی که خارج از حوزه تعیین و شعارهایی که دیکته می شود، طلاب و فضلا حوزه را باین طرف و آن طرف می کشند" و "احتیاج ارگانهای دولتی به اهل علم و روحانیون برای تصدی امر قضا و ارشاد و تبلیغ، البته باید در حوزه علمیه مورد توجه قرار گیرد و در این جهت با آنها همکاری شود. ولی این امر مستلزم دخالت های بی جای ارگانهای دولتی در حوزه و ملعبه قرار دادن طلاب جوان و ساده لوح و تحریک آنان در مسیر سیاست بازی های آنان نیست..."

منتظری در مورد دادگاه ویژه روحانیت در نامه به گلیاگانی مینوسد: "... و بالاخره دادگاه ویژه روی افراضی که بعداً روشن شد، تشکیل گردید. دایره عمل این دادگاه تا سطح وسیعی توسعه یافت. از آن استفاده های زیادی شد و بسیاری از روحانیون را محاکمه کرده اند. ضمناً دادگاهی است که استیناف و تجدید نظر ندارد و از هر جهت فعال می باشد. و بالاخره دادگاه ویژه ارگانی است خلاف قانون با تشکیلات هریض و طویل و

## بلاای طبیعی ادامه دارد

سیل بزرگی در استان خوزستان موجب بروز خسارات فراوان گردید. این سیل موجب شد که جاده آبادان و اهواز مسدود شود و صدها هزار اراضی کشاورزی بطول بیش از ۶۰ کیلومتر در مسیر اهواز-شادگان تخریب گردد. به گزارش روزنامه‌های تهران، سیل اخیر در خوزستان پس از انقلاب بی سابقه بوده است. هنوز از میزان خسارات و تلفات احتمالی این سیل گزارشی نرسیده است. از سوی دیگر جمعیت هلال احمر شهرستان اردل اطلاع داد که ۱۳۳۳ روستای این شهرستان در معرض خطر جدی حرکت زمین قرار دارد. به گفته این جمعیت رانش زمین از مدت‌پیش در مناطقی از این استان آغاز شده است. هلال احمر اردل هشدار داده است که برای جلوگیری از تلفات احتمالی، این ۱۳۳۳ روستا باید سریعاً تخلیه شوند. حرکت زمین در این منطقه در سوم فروردین ماه گذشته روستای چلو را ویران ساخت و ۶۰ قربانی گرفت.

قله تفتان در منطقه سیستان و بلوچستان نیز به فعالیت درآمده است. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی با آغاز فعالیت آتش فشان قله تفتان مواد مذاب به سوی دامنه کوه سرازیر شده و روستاهای اطراف را مورد مخاطره قرار داده است.

## تشکیل انجمن جامعه شناسان ایران

انجمن جامعه شناسان ایران با عضویت تعدادی از اساتید و کارشناسان رشته جامعه شناسی ایران تاسیس شد. اساسنامه این انجمن و "صلاحیت علمی و همومی" اعضا هیئت موسس آن که اساتید جامعه شناس هستند، مورد تایید کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفته است. در جلسه هیئت موسس این انجمن که با حضور ۷۰ تن از جامعه شناسان برگزار گردید، اعضای رهبری انجمن به شرح زیر برگزیده شدند: فلام عباس توسلی (رئیس) دکتر علی محمد کاردان، دکتر منوچهر محسنی، دکتر مسعود چکپی، فلام رضا صدیق‌اوری (اعضای اصلی) و آقای علی محمد حامدی و خانم هما زنجانی (اعضای علی‌البدل). این انجمن هدف خود را ارتقاء جایگاه علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسی ایران اعلام کرده است.

## نخستین آنتن‌های ماهواره‌ای کشف شد!

هم‌زمان با پوشش ایران توسط ماهواره‌ها، مأمورین رژیم تلاش برای کشف ابزار جدید "تهاجم فرهنگی" یعنی آنتن‌های ماهواره‌ای را آغاز کردند. مأمورین رژیم در اصفهان تعداد ۳۷ دستگاه از این آنتن‌ها که از دوی وارد کشور شده بود، کشف و دو تن را نیز دستگیر کردند. متهمین همراه با پرونده تنظیمی تحویل مراجع قضایی شدند.

## شهرداری‌ها بامشکلات مالی مواجه‌اند

به گفته مهندس رسول زرگر معاونت هماهنگی و امور عمرانی وزارت کشور، شهرداری‌های کشور با بحران مالی مواجه‌اند و ناچار به محدود کردن فعالیت‌های خود شده‌اند. این بحران که از نیمه دوم سال گذشته تشدید شده از جمله به هدم پرداخت هزینه‌های جاری چون دستمزد پرسنل منجر گردیده است. مهندس زرگر گاهش. صدور پروانه ساختمانی به میزان ۲۰ درصد نسبت به سال ۷۰، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمرانی، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و ماشین‌آلات، آغاز مراحل اجرایی پروژه‌ها بدون پیش‌بینی را از

جمله عوامل بروز بحران مالی فوق خواند. به گفته وی، دولت در سال ۷۱ حدود ۲۵/۵ میلیارد ریال به شهرداری‌های سراسر کشور اختصاص داده که بخش عمده آن صرف تامین زیان شرکت اتوبوسرانی داخل شهری بوده است. در سال گذشته فقط شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران ۸۰ میلیارد ریال زیان داشته است. مهندس زرگر گفت: مجموع کمک‌های دولت و وزارت کشور تنها ۸/۴ درصد هزینه‌های شهرداری‌ها را تامین می‌کند و بقیه آن باید از طریق مردم تامین شود.

## کمیو دارو و وعده‌های وزیر

معاون درمانی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان هشدار داد افزایش سرسام آور قیمت دارو و کمیو دارو یکی مهم در سیستان و بلوچستان، جان بیماران را در معرض خطر جدی قرار داده است. وی گفت: ثابت نبودن نرخ دارو و هدم تامین نیازهای دارویی توسط شرکت‌های سازنده باعث شده دارو خانه‌ها از ارائه داروهای حیاتی به بیماران خودداری کنند. کمیو دارو و گرانی سرسام‌آور آن در سراسر کشور به یک مشکل لاینحل و حاد تبدیل شده است. در همین حال وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصرف بی‌رویه دارو را باعث "کمیو دارو" مقطعی اقلامی از داروهای

ضروری در بعضی مواقع "نامید. وی که در مراسم افتتاح یک درمانگاه سخن می‌گفت، افزود: دولت در سال جاری حدود ششصد میلیون ریال سوبسید برای دارو در نظر گرفته است که با تجدید ساختار نظام دارویی و تاکید بر تامین داروهای حیاتی، شیوه تامین و توزیع و مصرف دارو اصلاح خواهد شد. وعده‌های مکرر مسئولین در مورد بهبود وضعیت دارو تاکنون به هیچ نتیجه مشخصی نرسیده است. چندی پیش با همین گونه توجیحات قیمت دارو را ۲ تا ۵ برابر افزایش دادند، اما نه کمیو دارو و نه بازار سیاه آن، هیچکدام از بین نرفت.

## دفتر چهارهنگام برای انتخاب اسم نوزادان

اسامی مجاز گفت: کتابچه‌ای با حدود ۶ هزار اسم منتشر شده و در اختیار ادارات ثبت احوال قرار گرفته است که والدین می‌توانند از میان این ۶ هزار نام مصطلح برای نامگذاری فرزند خود استفاده کنند. به گفته وی: اگر اسمی با ارزشهای اسلامی مفایر نباشد و دارای معنا و مفهوم خوبی باشد ادارات ثبت و احوال می‌توانند آن را به ثبت برسانند. مفایر نبودن اسم با ارزشهای اسلامی و "مفهوم خوب"، توسط ادارات ثبت و احوال تشخیص داده خواهد شد!

رئیس روابط عمومی سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد که کار تعویض بیش از ۵۱ میلیون جلد شناسنامه قدیمی به انجام رسیده و حدود ۶ میلیون شناسنامه باقی مانده تا شهریور ماه سال جاری تعویض می‌شود. وی در مورد اشتباهات و بد خطی در شناسنامه‌های جدید که موارد فراوانی از اعتراض و ناراحتی پدید آورده است مدعی شد خطا در ثبت شناسنامه‌های جدید در ده‌هزار است و قابل توجه نمی‌باشد. رئیس روابط عمومی سازمان ثبت احوال در مورد

## اسناد تاریخی در خطر نابودی هستند

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی اسناد تاریخی سازمان اسناد ملی ایران بدلیل کمیو بودجه در خطر نابودی است. بودجه ۵۰۰ میلیون ریالی تصویب شده سازمان اسناد ملی هنوز به این سازمان واگذار نشده است. محمدرضا عباسی رئیس سازمان اسناد ملی در این زمینه

اعلام داشت: طبق برنامه این مبلغ باید صرف ایمن‌سازی و حفاظت از ۲۰۰ میلیون سند و تکمیل شبکه کامپیوتری این سازمان شود. وی هشدار داد که بدلیل هدم اختصاص بودجه مذکور این اسناد تاریخی در خطر نابودی قرار دارند.

## از میان رویدادها

## استاندار آذربایجان شرقی: بیکاری و سیع استان را تهدید می‌کند

مهندس عبدالعلی زاده استاندار آذربایجان شرقی وضعیت صنایع این استان را بحرانی و خطر بیکاری وسیع را جدی اعلام کرد. وی افزایش نرخ ارز و مواد اولیه، افزایش قیمت محصولات، واردات بی‌رویه، رکود بازار و نیروی انسانی مازاد و غیر فعال در سطح کارخانجات و ادارات دولتی استان را از جمله مشکلات بخش صنعتی خواند و گفت کارخانجات به دلیل ضعف مدیریت و هدم بازاریابی، راه کاهش تولید و اخراج کارگران را در پیش گرفته‌اند. وی افزود: ما تاکنون جلو وقوع این امر را در سطح وسیعی گرفته‌ایم، اما بیکاری هم چنان استان را تهدید می‌کند. استاندار آذربایجان

مهندس عبدالعلی زاده استاندار آذربایجان شرقی وضعیت صنایع این استان را بحرانی و خطر بیکاری وسیع را جدی اعلام کرد. وی افزایش نرخ ارز و مواد اولیه، افزایش قیمت محصولات، واردات بی‌رویه، رکود بازار و نیروی انسانی مازاد و غیر فعال در سطح کارخانجات و ادارات دولتی استان را از جمله مشکلات بخش صنعتی خواند و گفت کارخانجات به دلیل ضعف مدیریت و هدم بازاریابی، راه کاهش تولید و اخراج کارگران را در پیش گرفته‌اند. وی افزود: ما تاکنون جلو وقوع این امر را در سطح وسیعی گرفته‌ایم، اما بیکاری هم چنان استان را تهدید می‌کند. استاندار آذربایجان

## در لرستان ۴۰۰ هزار نفر بیکارند

استاندار لرستان تعداد بیکاران استان را ۴۰۰ هزار نفر اعلام کرد و بیکاری را به‌عنوان یک معضل بزرگ اجتماعی نامید که دیگر مسائلی را تحت الشعاع قرار

استاندار لرستان تعداد بیکاران استان را ۴۰۰ هزار نفر اعلام کرد و بیکاری را به‌عنوان یک معضل بزرگ اجتماعی نامید که دیگر مسائلی را تحت الشعاع قرار

## ششمین نمایشگاه کتاب در تهران

ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در روز ۱۴ اردیبهشت گشایش یافت. این نمایشگاه تا ۲۴ اردیبهشت ماه ادامه خواهد داشت. در نمایشگاه امسال ۱۵۰۰ ناشر داخلی و خارجی و موسسات مطبوعاتی، اطلاع رسانی و خدمات نشر شرکت دارند. از این تعداد ۷۰۰ ناشر، خارجی هستند. مجموعه ۶۰ هزار عنوان کتاب در نمایشگاه عرضه شده است که ۱۷ هزار عنوان آن متعلق به ناشرین داخلی است و ۴۳ هزار عنوان آن به ناشرین خارجی تعلق دارد. انگلیسی و عربی هستند. حدود ۳۰

ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در روز ۱۴ اردیبهشت گشایش یافت. این نمایشگاه تا ۲۴ اردیبهشت ماه ادامه خواهد داشت. در نمایشگاه امسال ۱۵۰۰ ناشر داخلی و خارجی و موسسات مطبوعاتی، اطلاع رسانی و خدمات نشر شرکت دارند. از این تعداد ۷۰۰ ناشر، خارجی هستند. مجموعه ۶۰ هزار عنوان کتاب در نمایشگاه عرضه شده است که ۱۷ هزار عنوان آن متعلق به ناشرین داخلی است و ۴۳ هزار عنوان آن به ناشرین خارجی تعلق دارد. انگلیسی و عربی هستند. حدود ۳۰

## اجتماع اعتراضی روستائیان

مشکل بی‌آبی در روستای خود شدند. به گفته روستائیان قطع جریان آب در این روستا به سطح غیر قابل تحمیلی رسیده است.

اهالی روستای گالش محله رامسر روز ۲ اردیبهشت مقابل تاسیسات آبرسانی شهرداری رامسر گرد آمدند و خواستار رفع

## بنویسید آقایان خبرنگاران!

احمد حبیبیان نماینده همدان در گردهمایی کارگران این شهر به مناسبت روز جهانی کارگر سیاست‌های اقتصادی دولت را به شدت مورد حمله قرار داد. وی در بخشی از سخنان خود خبرنگاران حاضر در جلسه را مورد خطاب قرار داد و گفت: بنویسید آقایان خبرنگاران، مراجعه افراد به دفاتر نمایندگان جهت رسیدگی به مشکلات و رفع حوائج ضروری نسبت به گذشته افزایش چشمگیری یافته و فشارهای معیشتی هر صحراب برخی از آنان آنچنان تنگ نموده که زنی اظهار میدارد "اگر به داد من نرسید چاره‌ای جز... ندارم" وی

احمد حبیبیان نماینده همدان در گردهمایی کارگران این شهر به مناسبت روز جهانی کارگر سیاست‌های اقتصادی دولت را به شدت مورد حمله قرار داد. وی در بخشی از سخنان خود خبرنگاران حاضر در جلسه را مورد خطاب قرار داد و گفت: بنویسید آقایان خبرنگاران، مراجعه افراد به دفاتر نمایندگان جهت رسیدگی به مشکلات و رفع حوائج ضروری نسبت به گذشته افزایش چشمگیری یافته و فشارهای معیشتی هر صحراب برخی از آنان آنچنان تنگ نموده که زنی اظهار میدارد "اگر به داد من نرسید چاره‌ای جز... ندارم" وی

## ۸ میلیارد مارک صادرات آلمان به ایران

یک مقام اداره تجارت خارجی آلمان که به مناسبت شرکت در سومین نمایشگاه بین‌المللی ماشین‌آلات تجهیزات معدنی به تهران آمده بود، در گفتگویی با خبرنگاران ایرانی حجم صادرات آلمان به ایران در سال گذشته میلادی را ۸ میلیارد مارک اعلام کرد. این رقم ۲۵ درصد بیش از رقم مشابه سال قبل بوده است. به گفته این مقام طی این مدت صادرات ایران به آلمان به ۱/۲ میلیارد مارک بالغ شده است. فرس ۴۰ درصد و نفت ۱۷ درصد از صادرات ایران را تشکیل داده است.

## ملاقات وزیران خارجه جمهوری اسلامی و عراق

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و محمد سعیدالصحاف وزیر خارجه عراق روز ۹ اردیبهشت در کراچی پاکستان با یکدیگر دیدار کردند. این دیدار در حاشیه کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی صورت گرفت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در ملاقات دو وزیر پیرامون مسایل مهم بین‌المللی، منطقه‌ای و جهان اسلام تبادل نظر صورت گرفته است. مقامات جمهوری اسلامی از توضیح بیشتر در مورد محتوای گفتگوها خودداری کرده‌اند.

## ماجرای سفر تیم ملی فوتبال به آلمان

تیم ملی فوتبال ایران به منظور آمادگی برای شرکت در مسابقات مقدماتی جام جهانی، در شهر مونیخ آلمان اردو زده است. این تیم تاکنون با تیم‌هایی از آلمان و سوئیس دیدارهایی به منظور آماده سازی خود انجام داده است. هزینه این سفر را که بالغ بر چند صد هزار مارک است شرکت زمینس آلمان تقبل کرده است. سفیر ایران در پاسخ به اعتراض برخی روزنامه‌های تهران در مورد چنین قراردادی، تامین هزینه مذکور از سوی شرکت زمینس راه‌پایه‌ای به خاطر "قراردادهای چند میلیاردی مارکی آلمان و جمهوری اسلامی" خواند.

هم‌زمان با سفر تیم ملی به آلمان، خروج گسترده و غیر قانونی ارز و قالی‌های ابریشمی در پوشش تیم ملی مورد انتقاد شدید روزنامه‌های تهران قرار گرفت. مطابق نوشته روزنامه‌ها، مسئولان سازمان تربیت بدنی زیر پوشش تیم ملی فوتبال ایران مقادیر هنگفتی ارز و قالی‌های ابریشمی را بطور غیر قانونی از کشور خارج کرده‌اند. هلیرغم جنجال گسترده‌ای که در این مورد به پا شد هنوز هیچ یک از مسئولین سازمان تربیت بدنی کوچکترین توضیحی در این باره نداده‌اند.

# آزادی گشایش خرد

در شماره جدید مجله گردون، مقاله‌ای تحت عنوان "آزادی، گشایش خرد" به قلم آقای بابک احمدی چاپ شده است که نمونه‌ای از رونق روز به گسترش پیوند آزادی با خرد از یکسو و پیوند نویسنده و سخنور با خواننده و سخن سنخ از سوی دیگر در این مرحله از تحول فکری در جامعه ماست. برای آگاهی خوانندگان کار از مفاد این مقاله کوتاه و پرمعنی، آن را به عاریت از مجله گردون و آقای بابک احمدی در زیر می‌آوریم.

\* \* \*  
مجله نوشته است که پرنده مینروا، فرشته خرد در تاریکی و شب هنگام بال می‌گشاید. میان عقل و بحران پیوندی شگرف بسته شده؛ همزادند. روزگار بهروزی را اندیشه و فلسفه‌ای در کار نیست. در بلای سخت به آزادی می‌اندیشی و آزادی گشایش خرد است. خرد اول و آخر است.

کودک که به حرف می‌آید، اندیشه‌ای پیشاپیش آماده را بیان نمی‌کند، او در گفتن می‌اندیشد. زبانش نه ابزار بی‌میانجی اندیشه، که خود آن است. سنجش (خرد انتقادی) همراه با زبان زاده می‌شود.

زبان، گفتار را محدود می‌کند. همگان در هر متن، موارد دستوری را یکسان می‌خوانند؛ اما هر آن چه از این موارد فراتر رود، به متن منش یک‌ه‌ای می‌بخشد که "خواننده ویژه خود" را می‌طلبد. در ساختن متن واژگان را و حتی گوناگونی "قاعده‌های" نحوی و معنایی را برمی‌گزینی و در این گزینش جهان متن را می‌آفرینی، نه همچون تقلید از دنیایی که هست، بل چنان که می‌خواهی باشد. این سان نه فقط به افق متن، بل به قلمرویی مرز خیال و اندیشه خویش شکل می‌دهی، در زبان آزادی‌رانی آزمایی.

کودک همچون شاعر، زبان خود، یعنی جهان خویش را می‌سازد. اما زبان نیز به او می‌اندیشد و در کار او قلمرو اقتدارش را گسترش می‌دهد. کودک - شاعر و زبان نیازمند یکدیگرند تا آزادی و تازگی را بیازمایند. وسوسه زبان کشف هر چیز نوست. شاعری که از سخن تازه، تازگی دوجهان را می‌خواست به رازی پی برده بود: گوهر زبان فوفاست. کارش برپا کردن آشوب است در دنیای آرام‌شناخته، رام و سر به راه.

گزاره ای معنا می‌گیرد، یعنی به سخن وابسته می‌شود. سخن معنا را محدود می‌کند. سخن علمی و فلسفی از دامنه زبان دانشمند و حتی فیلسوف به شکل‌های گوناگون می‌کاهد. سخن اما حریف هنرمند نمی‌شود. او خود تعریف از خویش را همراه می‌کند با این باور: از آدم که هر چه بخواهم بگویم.

دریدا نوشته است که زبان در گوهرش باز شناختنی نیست، مگر آنکه "کنش ادبی" آن دانسته شود. در امضای پونژ می‌خوانیم: "اثر نوشتاری خود را همچون کنش (کار و بایگانی) طرح، توصیف و ثبت می‌کند." از این رو یونانیان Poesis را که تولید بود و ساختن به "نظریه ادبی" پیوند می‌زدند. آفرینش هم

رسالت نویسنده است و هم کار مخاطب. خواندن، کشف معنای متن نیست؛ ساختن آن است. ساختن معنا یا معناها را دیگر، کنش خواندن را کشف "با خود آگاه متن" می‌کند. ادبیات این چنین "تمرین آزادی" می‌شود. جستجوی حق گفتن، هر چه باشد. دریدا نوشته است: "ادبیات نهادی تاریخی است که پیمان‌ها و هنجارهای خود را داراست. اما این نهاد قصه پرداز در بنیادش نیروی گفتن و بیان هر چیز را داراست... نهاد ادبی همبسته است با مجاز بودن در گفتن همه چیز، یعنی وابسته است به دمکراسی در کامل‌ترین و گشوده‌ترین معنای این واژه".

کودک به حرف می‌آید، چون شک می‌کند، چون بسیاری چیزها در میان است که او از آن همه بی‌خبر مانده، چون به دیگری نیازمند است تا بداند. او با گفتن، زبان را برمی‌گزیند و زندگی با دیگری را، و می‌آموزد که از خویشتن آدمی تازه‌سازد، نه یک بار و برای همیشه، بل همواره تازه‌شدنی، اگر به سحر کلام با دیگری همراه شود، و اگر منطق مکالمه را بیاید. دور نیست روزی که در یابد ابهام لازم است و زیبا؛ که زندگی در دنیای تک معنایی بی‌حاصل است.

تا روز، حاکم و محکوم، هر یک به گونه‌ای از "زبان مشترک" یاد کرده‌اند یا آثرا چونان نوش داروئی طلبیده‌اند، یا زبان خود را همچون زنان مشترک تحمیل کرده‌اند. اما آزادی تودریگانی و ویژگی زبانی است که به کارش می‌گیری، یا به کارت می‌گیری. زبانی که بابتو نسبتی هستی‌شناسانه می‌یابد. تنها پس از یافتن بنیان این نسبت، و به شکرانه آن، اعتبار بگیرد، و زبان او را، در می‌یابی. دیگری آن سان که هست، چنان که می‌گوید، می‌نویسد و می‌اندیشد، وقتی چون تو نمی‌گوید، نمی‌نویسد و نمی‌اندیشد. "زبان مشترک" آن جا یافته می‌شود که فردیت خود را پذیرفته باشی و فردیت دیگری را.

کار نویسنده هیچ همانندی با کار مغازه‌دار ندارد. او بر پیشخوانش ترازویی نهاده تا به یاری‌اش چیزی را وزن کند. شاهینی و میزانی قطعی و درست در اختیار ندارد تا چندو چون "تلاش" را دریابد. نه از نیک می‌گوید، نه از بد، نه از ارزش مبادله، حکم نمی‌دهد که پاره بداز آن خودت و پاره نیکت (یا آن چه به چشم من خوب می‌آید) از آن من. نویسنده حرمت تمامیت دیگری را می‌شناسد. می‌بیند که دیگری مجموعه‌ای است از اجزای به هم پیوسته و از نسبت میان این‌ها. هر چه در دیگری "درست" و "نیک" و "خواستنی" است از نسبت و پیوند با تمامی واقعیت‌های نشناخته، نطلبیده و شاید نهی شده او شکل گرفته است. دیگری این چنین پیش روی من است، و می‌دانم که پاره‌ای از حقیقت نزد اوست. من با تاریخم، سنت‌هایم، آن چه دارم و آن چه دوست دارم یگانه دارنده واقعیت نیستم. پس به دیگری می‌گویم: با من حرف بزن، آماده شنیدنم و گفتن. چه باک از تردید.

به ۱۱ خرداد روز جهانی کودک نزدیک می‌شویم. نزاع بزرگسالان در جوهره خود بر سر رقم خوردن سرنوشت خردسالان است؛ چرا که سرنوشت آینده این کشور را آنان رقم خواهند زد. از یک سو، نیروی واپسگرایی جامعه است که چون بختک بر جان کودکان ما افتاده و می‌خواهد روح و جان آنان را به تسخیر اموات و دل‌مردگی‌ها درآورد و شعله اندیشه مستعد آنها را در چنبره تحجر فکری و قیودات مذهبی خاموش کند. و از سوی دیگر، نیروی خرد و عشق به هستی در جامعه است که سخت دل‌نگران نوباوگان این آب و خاک است و می‌کوشد تا از هر روزنه‌ای سود جوید و پدران و مادران را به وظیفه خطیر خود در بار آوردن فرزندان شاد و سازنده، هاشق و خردمند آگاه کند.

آنچه که در زیر می‌آید برگزیده‌ای از ترجمه بخشی از کتاب ارزنده "سوخوملینسکی و تعلیم و تربیت" به قلم سیمون سولوویچیک است که با ترجمه آثاری رضی‌همرندی در ماهنامه جامعه سالم شماره اسفند ماه ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است.

\* \* \*  
موسیقی و اخلاق رابطه بین این دو موضوعی است که به مطالعه و تحقیق همیق نیاز دارد. کیفیت کار تربیتی که در مدرسه انجام می‌شود تا حدود زیادی به این وابسته است که مدرسه تا چه حد از فعالیت‌های موسیقایی آکنده باشد. درست همان گونه که ژیمناستیک بدن کودک را موزون می‌سازد موسیقی نیز قلب کودک را پاک نگه می‌دارد.

موسیقی معجزه‌آسازترین و ظریف‌ترین وسیله برای بیان نیاز آدمی به چیزهای زیبا و پسندیده و انسانی است. انسان در همان حال که به موسیقی گوش می‌دهد، نسبت به نفس خویش معرفت پیدا می‌کند و درمی‌یابد که او یعنی انسان مخلوقی است عالی که برای والا زیستن به دنیا آمده است و اگر در وجود او کژی و کاستی‌ای هست باید از میان برود. موسیقی به او کمک می‌کند تا به کژیهای وجود خویش آگاه شود.

سال‌های طولانی تجربه به من نشان داده است که انسان به زبان مادری خود و به پایه‌های فرهنگ موسیقی - یعنی استعداد درک کردن، فهمیدن و احساس و تجربه کردن کامل زیبایی آهنگ‌ها - تنها در دوران کودکی خویش دست می‌یابد.

جبران هر آنچه در کودکی از دست می‌رود در بزرگسالی تقریباً غیرممکن است. قلب کودک به یکسان در برابر زبان مادری، زیبایی طبیعت و آهنگ‌های موسیقی واکنش نشان می‌دهد. اگر بچه‌ای در سال‌های اولیه زندگی یاد بگیرد که نسبت به یک اثر موسیقی واکنش عاطفی بروز دهد، اگر بتواند دقایق و ظرایف چندپهلوی عاطفه را در صداها احساس کند، آنگاه می‌تواند خود را به سطحی از تجربه فرهنگی بکشد که رسیدن به آن با هیچ وسیله دیگر امکان‌پذیر نباشد.

که هرگاه سینما، رادیو و تلویزیون مردم و لحظه و بی‌حساب و کتاب در اختیار بچه‌ها قرار گیرد، نه تنها به تربیت زیبایی‌شناسی بچه‌ها کمکی نمی‌کند، بلکه باعث ضایع شدن آن می‌شود. در این میان، ویرانگرتر از همه تأثیرات موسیقی زیاد از حد و بی‌رویه است. به گمان من یکی از مهم‌ترین وظایف در کار تربیت بچه‌ها این است که آثار را به تناوب در معرض آثار موسیقی و نیز در محیطی قرار دهیم که در آن به بهترین وجهی زیبایی موسیقی را درک و احساس کنند.

آرامش مزارع و چمنزارها، خش‌خش برگ‌ها، آوای چکاوک در آسمان آبی، زمزمه، ذرت زار در باد و وزوز زنبورهای مصل، اینها و بسیار چیزهای دیگر سا زنده موسیقی طبیعت هستند، طبیعتی که انسان به هنگام خلق آهنگ‌ها از منبع فیاض آن الهام می‌گیرد. آنچه در آموزش زیبایی‌شناسی هموما "و در آموزش موسیقی خصوصاً" اهمیت اساسی دارد اصول روان‌شناسی است که معلم در جریان آشنا ساختن بچه‌ها با دنیای زیبایی‌ها باید به عنوان راهنما پیش‌روی خود داشته باشد. برای من با اهمیت‌ترین اصل تربیت استعداد بچه‌ها در واکنش نشان دادن عاطفی نسبت به زیبایی و احساس نیاز به تأثیرات موجودی زیباست! در نظر من یکی از اهداف مهم مجموعه نظام تعلیم و تربیت انسان این است که به او بیاموزیم چگونه در دنیای زیبایی‌ها زندگی کند، به نحوی که قادر نباشد بدون زیبایی سرکند و به علاوه زیبایی جهان در وجود وی زیبایی بیافریند.

من برای بچه‌ها قطعاتی از موسیقی را دست چپ می‌کنم که در آنها صداهای آشنای پیرامونشان مثل چمچه پرندگان، صدای شرشر جویبار و زوزه باد را در قالب تصویر (ایماژ)‌های میجان انگیز بشنوند. در همین حال مواظبم که در شنیدن موسیقی زیاده‌روی نشود. بار دیگر تأکید می‌کنم که افراط در این کار برای بچه‌ها زیان آور است زیرا نهایتاً به اشتغالی فکری و در مراحل بعدی به کور شدن واکنش‌پذیری عاطفی آنها خواهد انجامید.

من هیچگاه بیش از دو قطعه در ماه برای بچه‌ها نمی‌گذاشتم و تازه پیرامون هر قطعه مطالعه زیاد می‌کردیم تا اینکه بچه‌ها برای دوباره و چند باره شنیدن آن از خود اشتیاق نشان می‌دادند و هر بار از آن زیبایی تازه‌ای برداشت می‌کردند. این نکته از نظر ما حائز کمال اهمیت بود که وقتی بچه‌ها به قطعه‌ای، مخصوصاً آهنگی که برای درک همیق ترشان از مبانی موسیقی در نظر گرفته شده بود، گوش می‌دهند، تأثیرات بی‌رویه و بی‌نظم و ترتیب بر آنها گذاشته نشود. بچه‌ها را باید تشویق کرد که بعد از شنیدن هر آهنگ به سکوت مزارع گوش فرا دهند و در فاصله بین آهنگ‌ها به جانب درک زیبایی‌های طبیعت کشیده شوند.

موسیقی به شخصیت‌های افسانه‌ها زندگی واقعی و قلب و اندیشه می‌بخشد، موسیقی بچه‌ها را به دنیای نیکی رهنمون می‌شود.

موسیقی غذای مقوی اندیشه است. تکامل همه جانبه فکر کودک بدون تربیت موسیقایی وی امکان پذیر نیست. ریشه‌های موسیقی را نه تنها در جهان پیرامون بلکه باید در خود انسان، در دنیای درونی‌اش و در اندیشه‌ها و کلماتش جستجو کرد. تصویر موسیقایی، کشف و شعور تازه‌ای از اشیاء و پدیده‌های جهان واقعی است: توجه کودک در حقیقت بر اشیاء و پدیده‌هایی متمرکز می‌شود که در پرتو تازده موسیقی بر او مکشوف شده و در همین حال است که اندیشه‌هایش تصویر جانبداری ترسیم می‌کنند و این تصویر واژه می‌طلبد. کودک از رهگذر واژه آفرینندگی می‌کند و برای اندیشه‌ها و مفاهیم تازه از دنیای پیرامون خود مواد لازم را گرد می‌آورد.

موسیقی، تخیل، خیال پردازی، قصه‌های پریان، آفرینش: این است مسیری که کودک در آن استعدادهای فکری و ذهنی خویش را تکامل می‌بخشد. موسیقی برای بچه‌ها تصویرهای جاندار می‌سازد. بیش از هر چیز دیگری به آنها کمک می‌کند تا نیروی خلاقه ذهن را به چنگ بیاورند.

احساسات واقعی انسان همانگونه که به قالب کلام در می‌آیند با موسیقی نیز بیان می‌شوند. ما با انگیزش آگاهی کودک نسبت به موسیقی اندیشه‌ها و آرمانهایش را تعالی می‌بخشیم. هدف ما باید این باشد که نغمه‌های موسیقی در قلب هر کودک چشمه حیات بخش هوائی انسانی را باز کند. زیبایی جهان پیرامون کودک درست همانگونه که در واژه‌های زبان مادریش متجلی می‌گردد، با تمام شکوه و درخشندگی خود در موسیقی نیز ظاهر می‌شود. اما موسیقی زبان هوائی بشری است و چیزی بیشتر از زیبایی جهان پیرامون را به روی قلب کودک می‌گشاید. موسیقی عظمت و شکوه انسانی را در برابر دیدگان آدمها به نمایش می‌گذارد. کودک وقتی از موسیقی به شور و هیجان در می‌آید، احساس می‌کند برای خود آدمی است. حساسیت روح بچه‌ها مانند حساسیت روح نوازندگان است، اگر شما بتوانید سیم‌های کشیده آن را در اختیار بگیرید، آن وقت از سحر انگیزترین موسیقی، نه فقط در معنای مجاز

بلکه به معنای واقعی آن بهره‌مند خواهید شد. دوران کودکی بدون موسیقی همان قدر غیر قابل تصور است که بدون بازی و افسانه...

مساعده‌ترین زمین برای رشد نهال پیوند راستین میان معلم و شاگرد موسیقی است. موسیقی انگار دریچه‌های قلب بچه را باز می‌کند. معلم و شاگردانش در همان حال که به موسیقی گوش فرا می‌دهند و در کنار هم از زیبایی آن شاد می‌شوند و به هم نزدیک‌تر شده، همدیگر را بهتر درک می‌کنند.

کلمات هیچگاه قادر به توصیف ژرفای بی‌نهایت موسیقی نبوده‌اند. در همین حال، نزدیک شدن به این ظریف‌ترین حوزه کشف و شعور عاطفی بدون مدد کلمات امکان پذیر نیست. من سعی می‌کنم از کلمات یعنی از توضیحاتم در مورد موسیقی نوهی انگیزه احساسی بسازم که تنها بیدار کننده حساسیت بچه‌ها به موسیقی یعنی زبان مستقیم قلب نباشند. واژه‌ها باید رشته‌های قلب حساس بچه‌ها را کوک کنند... توضیحات مربوط به موسیقی باید در بردارنده عنصر شاعرانه یعنی چیزی باشند که کلمات و موسیقی را به هم نزدیک سازند. برای رسیدن به این مقصود به خاطرات عاطفی بچه‌ها متوسل می‌شدم، بدین معنا که به یاری کلمات تصویرهایی خلق می‌کردم که خاطرات گذشته را در وجود آنها بیدار می‌ساخت...

من می‌گویشدم تا قلبهای جوان را از لطیف‌ترین احساس بشری یعنی احساس عشق آگاه کنم. تأثیر مثبتی که موسیقی می‌تواند در این بخش از قلمرو زندگی عاطفی نوجوانان به جا بگذارد بسیار زیاد است. موسیقی‌ای که امروز صدای قلب عاشق شوریده و شیفته زیبایی زنی است فردا در زبان و سحران، در مادران و پدران، احساس پاک و شریف محبت می‌پرورد... من به همه کسانی که دست‌اندر کار تربیت بچه‌های این سنین هستند توصیه می‌کنم که از حرف و سخنرانی و جلسات مجادله و پرسش و پاسخ در این خصوص بکاهد و به جای آن بچه‌ها را تشویق کند تا در سکوتی اندیشمندانه به قطعاتی از موسیقی با مضمون عشق گوش فرا دهند.

## پدر آمار ایران درگذشت

آمار ایران نام گرفته بود. وی ۵۵ سال از زندگی خود را در این جهت سپری کرد. دکتر خواجه‌نوری در طی فعالیت طولانی علمی خود بیش از ۵۰ جلد کتاب به رشته تحریر درآورد که ۱۲ جلد آن تاکنون منتشر شده است. علاوه بر تحریرات فوق، او سالهای متعددی بعنوان استاد و پژوهشگر برجسته علم آمار به تدریس در سطوح مختلف دانشگاهی اشتغال داشت و دانشجویان بسیاری را پرورش داد. دکتر خواجه‌نوری که تمامی زندگی خود را وقف علم ساخته بود، وصیت کرد که پس از مرگ، داشته‌های او را برای تحقیقات علمی در اختیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران قرار دهند.



روز ۳۰ فروردین ماه هجرتی خواجه‌نوری استاد آمار دانشگاه تهران در اثر سکتة مغزی در بیمارستان پارس در تهران درگذشت. دکتر خواجه‌نوری به هنگام مرگ ۷۵ سال داشت. وی یکی از بنیانگذاران علم آمار ایران بود و از سوی محافل علمی کشور بعنوان پدر



# پذیرش تفکیک واقعی بین چپ و راست؛ شرط اصلی تفاهم است

بهزاد کریمی

نویسندگان کیهان چاپ لندن، از مدتی پیش بر خورد با جنبش چپ و گرایش‌های مختلف آنرا در دستور کار خود قرار داده‌اند. این وظیفه تا چندی پیش در انحصار کتانه سلطانی بود که آسمان و ریمان را بهم می‌بافت تا باصلاح خیانت و تبهکاری "جماعت روشنفکر" و بویژه جناح چپ آنرا اثبات کند. اما یافته‌های ارزان او، حتی بی‌زاری روشنفکران طرفدار پادشاهی و سلطنت طلب را نیز برانگیخت و انفراد و از صحنه رانده شدن وی را بی‌آورد. اکنون با حذف لحن و زبان نوع سلطانی از کیهان چاپ لندن، حمله به چپ در این نشریه بر معده کسان دیگری قرار گرفته است که می‌گویند تا سخنان درشت و تیز معنی را در بیان های نرم ادا کنند. در این کارزار قلمی، بویژه باید به دو مقاله از آقای محمد ارسنی با عنوان "فراسوی چپ و راست" و "تراز نامه چپ در ایران" اشاره کرد که در آنها و مخصوصا در دومی، احکامی صادر شده است که جای گفتگوی بسیار دارد.

\*\*\*

## آیا عمر چپ سرآمده است؟

آقای ارسنی در مقاله نخست خود، از قول دیگران "دهه مشتاد را دهه چپ زدایی" می‌نامد، و در مقاله دوم به نقل از فائبین "داستان چپ را پایان یافته می‌خواند و آنگاه خود به زبان حضور چپین بیان می‌دارد که: "با سقوط محمد رضا شاه، ماموریت چپ نیز پایان گرفت." او می‌گوید که هنوز هم باید از چپ سخن گفت، اما نه از موضع یک جامعه شناس درگیر با روندهای جاری بلکه از دید یک مورخ، و نه به این اعتبار که چپ هم اینک هستی دارد، بلکه صرفا بعنوان یکی از چهار جریان بزرگ تاریخی که بزعم او دیر وقتی است که به تاریخ پیوسته است.

در یک بررسی تاریخی، هیچ فریبی بزرگتر از آن نیست که از معلول ها سخن رود و علت ها به سکوت برقرار گردد. در "تراز نامه" واقعی چپ، یک امتیاز مهم همین بوده که با درم شکستن نگرش قدر گرایی و به کار گیری عنصر علیت در کنکاش تاریخی روندهای اجتماعی و سیاسی، هر کوشید با گذر از نمودها به ژرفا، چرایی برآمدهای سیاسی و اجتماعی را پاسخ گوید. و اینک چپ، نظاره گر همان روش دیرینه مردم فریب است که اینبار در بررسی تاریخ خود او بکار گرفته می‌شود. از شکست تاریخی الگوی معینی از چپ، تاریخ محتوم شکست چپ را نتیجه می‌گیرند تا به ساده اندیشان بیاوراند که چپ به فرجام خود رسیده است؛ و از تاریخ چپ سخن می‌گویند، اما یک کلمه نمی‌نویسند که چرا اصولا تاریخ، چپ را از زهدان خود بیرون داد.

چپ، جریان اجتماعی بوده و هست و تاریخ آن پیش از همه، سیر تاریخی این جریان است. حرکت این جریان، برآمد خواست نیروهای اجتماعی معینی در جامعه است که در برهه‌های مختلف تاریخی و در هر جایی از جهان، با سیمای سیاسی متفاوت و در وجود سازمانهای سیاسی گوناگون سر بر آورده و اینک نیز در چهره تازه به میدان می‌آید. چپ و راست، توأمند و نقاد یکدیگر، اما بیچوجه چنین نیست که آنها همدیگر را پدید آورده باشند، هر دو آنها را، جامعه است که از دل خود بیرون می‌دهد. رفتار آنها بر همدیگر تاثیر می‌نهد و حاصل این تاثیر متقابل، بر نهادهای متشکله جامعه و حتی کل ارگانیسم جامعه موثر می‌افتد. ولی وجود آنها، ناشی از وجود نیروهای اجتماعی متفاوت با منافع مختلف اجتماعی است و رابطه آنها با یکدیگر نیز، نه بطور مستقیم که از طریق برخورد نظری و عملی هر یک از آنها با جامعه، روندهای اجتماعی و حوادث سیاسی است که برقرار می‌گردد.

از نقطه نظر ترمینولوژی، تاریخ چپ و راست به انقلاب فرانسه بر می‌گردد که مواجهه با رویدادها و اتخاذ مواضع و ارائه طریقها در قبال معضلات، مجلس نمایندگان مردم را به دو جناح چپ و راست منسحب کرد. اما، این فقط فعلیت یافتن و انتظام یابی واقعیتهای جهان در بطن جامعه بود. چپ، بمثابه یک حرکت اجتماعی توده‌های محروم در برابر قدرت اجتماعی و سیاسی توانگران وجود داشت که اینک در مرحله معینی از تکامل روابط اقتصادی و اجتماعی و دوره معینی از بلوغ سیاسی جامعه بمثابه یک پدیده سازمان یافته رخ می‌نمود. این نیروی اجتماعی، نیروی مولد و زحمتکش جامعه است که منافع عینی آن حکم می‌کند تا جامعه کمنه بگونه‌ای باز سازی شود که وفور آید و ثروت فراوان به

# پاسخی کوتاه به ادعایی بزرگ

ف - تابان

این بی‌عدالتی گرفتار است و به دو قطب فقر و ثروت تقسیم شده است که در ده‌های پیشماری را برای مردم به همراه آورده‌اند. مبارزه بری رفع این بی‌عدالتی عظیم و تحقق عدالت اجتماعی به انگیزه مردم نیرومندتر توده‌های مردم بدل می‌شود. در چنین جهانی و در چنین کشوری "حل و بررسی" عدالت اجتماعی را به "پیکارهای اجتماعی آینده" حواله دادن، چه معنایی جز چشم فرو بستن بر این وضع طاقت فرسا دارد؟ آنچه آقای گنج بخش می‌گوید تنها یک ادعای یک روزنامه نویس نیست، عملکرد بخش وسیعی از نیروهای میانه‌رو و لیبرال است که بطور نمونه در نشریات گوناگون آنها به وضوح به چشم می‌خورد. سر نوشت اسف بار زندگی میلیونها انسان، بی‌عدالتی شدیدی که بر جامعه ما حکم فرماست و ضرورت رفع آن از نظر این نیروها، مسئله‌ای مربوط به آینده و به بیان دیگر مسئله‌ای فراموش شده است. انتقاد همیشگی جنبش چپ به جنبشهای نیروهای میانی جامعه، بی‌توجهی آنها به این نیاز توده مردم بوده است. این انتقاد امروزه نیز برجای خود باقی است.

مبارزه در راه تحقق عدالت اجتماعی، هیچ‌گاه در انحصار جنبش چپ سوسیالیستی نبوده است، اما هواداران سوسیالیسم از نیروهای عمده این مبارزه و از پیشگامان آن بوده‌اند. آنچه که عدالت طلبی سوسیالیستی (و به ویژه مارکسیستی) را از سایر جنبشهای عدالت طلبانه متفاوت ساخته است، اعتقاد به فرجام این مبارزه و تحقق این خواست هزاران ساله بشریت در نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیسم و تکامل آن تا نیل به کمونیسم بوده است. اشکال همه کسانی که شکست بزرگترین تلاش بشریت در این جهت را نشانی خیالی بودن و فیرواقعی بودن این هدف بزرگ می‌پندارند، در این است که نمی‌خواهند بپذیرند، سوسیالیسم نه محصول اراده این یا آن اندیشمند و شخصیت سیاسی، نه محصول توطئه این یا آن حزب، بلکه نیاز تاریخی انسانها به عدالت و دموکراسی، پیشرفت و رفاه است. خطای بزرگ جنبشهای سوسیالیستی نه در اعتقادشان به چنین باوری، بلکه در آسان پنداشتن آن و در یکسان پنداشتن با مشتکی از اصول بود. امروز آن اصول و نظامهایی که بر پایه آنها بنا شده بود، شکست خورده‌اند. طبیعی است که این شکستها، به ویژه از سوی مخالفین، به حساب ایده سوسیالیسم گذاشته شود. اما بدون شک برای میلیونها مردمی که در جهان امروز شانه‌هایشان در زیر بار تضادهای خردکننده طبقاتی، فقر و تنگدستی، استبداد و دیکتاتوری خم شده و برای تمام روشنفکرانی که خود را در جبهه این مردم می‌پندارند، شکست‌ها هر چقدر هم که سنگین باشند، ضرورت مبارزه در راه تحقق عدالت اجتماعی و دموکراسی و به ثمر رساندن آنها در یک نظام اجتماعی را نفی نکرده است.

امروز پاسخ به هزاران پرسش در مورد چگونگی دستیابی به این هدف و تعیین ویژه‌گیهای جامعه سوسیالیستی مورد نظر دشوار و حتی ناممکن است. به همین جهت سوسیالیست‌ها را به خیال پرستی و دل بستن به موهومات متهم می‌سازند و آنها را به تسلیم شدن در برابر "واقعیات" فرا می‌خوانند. ما به دشواری، ضعفها و ناشناخته‌های راه خود واقفیم، اما این را نیز می‌دانیم که همه تحولات سترگ انسانی که زندگی بشریت را دگرگون کرده‌اند، در آغاز خود طرحهایی تا روش و حتی بخشی از آن آرزوهای خام بوده‌اند. طرحها و آرزوهای بی‌اساسی که در نزد انسانهای نزدیک بین، دل بستگی به آنها نشانه خیال پرستی و دیوانگی بوده است. سوسیالیسم نیز در آغاز خود چنین بود، اما اکنون دیرزمانی است که از مرحله خیال فراتر رفته، انبوهی از تجارب را آموخته و هر چند آنگونه که سابقا تصور می‌شد، در دسترس قرار ندارند، اما از نظر تاریخی چنان به واقعیت نزدیک شده است که دیگر مشغولیت گروهی محدود نیست. بلکه هلیترم شکستهای سنگین قادر است انسانهای پیشماری را در چهار گوشه جهان به فعالیت و مبارزه بکشاند و به خود جلب کند.

کسانی که سوسیالیستها را به خیال پردازی متهم می‌کنند، با دعوت آنان به دست کشیدن از این خیالات، آنها را به چه واقعیتی فرا می‌خوانند؟ سرمایه‌داری با چهره انسانی "آیا خود یک خیال دست نیافتنی نیست؟

بیش از ۳ قرن از تولد سرمایه‌داری در جهان ما می‌گذرد. در این راه راه درازی که سرمایه‌داری از آغاز ادامه در صفحه ۸

جنبش چپ ایران با تعرض همه جانبه‌ای روبروست که نفی و نابودی موجودیت و آرمانهای آن را هدف قرار داده است. نیروهای راست و ارتجاعی ضد سوسیالیست با تکیه به شکست‌های چند جانبه جنبش چپ، فروپاشی "ارادگاه سوسیالیسم" و تضعیف جنبش سوسیالیستی در جهان، بطور روزمره از شکست آرمانهای چپ سخن می‌گویند و مرگ سوسیالیسم را جشن می‌گیرند. دموکراتهای میانه‌رو نیز در این موضع با آنان هم‌وایی می‌کنند و به نیروهای چپ "خیر خواهانه" و "دوستانه" توصیه می‌کنند که دست از "تخیلات و اوام" خود بردارند و به راه و روش آنها بپیوندند. آنها از مبارزین چپ ایران می‌خواهند که با گذشته و سنین مبارزاتی و همه تاریخ چندین دهه ساله خود قطع رابطه کنند، مبارزه در راه عدالت اجتماعی را به کناری بگذارند و مهمتر از همه سوسیالیسم را به فراموشی سپارند، زیرا سوسیالیسم از "علم به خیال" تبدیل شده است.

چنین توصیه‌هایی به ویژه در ماههای اخیر، بیشتر از گذشته، از سوی شخصیتها و احزاب میانه‌رو و لیبرال بگوش میرسد. از جمله آقای امیر حسین گنج در ماهنامه جمهوری خواهان ملی ایران (شماره ۴۹، دی و بهمن ۷۱) در مقاله‌ای چنین ادعا کرده است:

"سازمانها و شخصیت‌هایی که در گذشته مارکسیست - لنینیستی خود مظهر انقلابگری بوده‌اند، امروز هیچ گونه اثری از آن اندیشه در برنامه سیاسی‌شان به چشم نمی‌خورد، اما کماکان خود را با همان اسم می‌نامند و به گونه‌ای می‌کوشند بخشی از آن ارثیه سابق را با خود داشته باشند. این ارثیه در مفهوم بسیار کلی "نیروهای چپ" خلاصه می‌شود که البته در گذشته قابل تعریف است و در آینده هم بصورت آرمان سوسیالیسم متبلور می‌شود. اما آنچه که به امروز بر می‌گردد اثری از "چپ" در آن یافت نمی‌شود و شاید تنها نکته بارز آن دفاع از عدالت اجتماعی است که این به خودی خود معنایی ندارد (زیرا هیچ کس مخالف آن نیست!) و فقط در پیکارهای اجتماعی آینده ایران قابل حل و بررسی است. در مورد واژه سوسیالیسم هم باتوجه به "گذار سوسیالیسم از علم به خیال" نه تنها نمی‌تواند معیاری برای تشکیل سازمان و یا هر شکل دیگری باشد، بلکه وجود خود این واژه موجب برانگیختن "نیل‌هایی است که یاد هندوستان می‌کنند" و اینجاست که در برخی از نشریات به آنها بر می‌خوریم. امروز بیش از آنکه بحث بر سر "سوسیالیسم با چهره انسانی" باشد، بحث بر سر "سرمایه‌داری با چهره انسانی" است که آینده را رقم خواهد زد."

این سخن به خوبی همه آنچه را که تقریبا همه احزاب و شخصیتهای میانه‌رو - لیبرال جامعه از مبارزین چپ طلب می‌کنند، بیان کرده است. لب جنبش مستقل خود پایان دهید، به نیروهای اصلاح طلب ملی‌گرا بپیوندید و برای "سرمایه‌داری با چهره انسانی" مبارزه کنید.

پیکار در راه عدالت اجتماعی یکی از خصیصه‌ها و ویژگی‌های جنبشهای چپ و از موارد مهم تفاوت آنان با جنبشهای اصلاح طلبانه نیروهای میانی بوده است. این ویژگی بازتاب خواست میلیونها انسان در فعالیت و مبارزه نیروهای چپ بوده است. عدالت اجتماعی، همواره یکی از رویاها و آرزوهای بشریت محروم و تحت ستم بوده و جامعه بشری از دیرباز تاکنون درگیر پیکاری بزرگ برای تحقق آن است. صاحبان قدرت و ثروت در هیچ دوره‌ای از تاریخ در برابر عدالت طلبی توده مردم سر تسلیم فرود نیامورده‌اند و همواره دشمنان کینه‌توز و خونریز این هدف بزرگ انسانی باقی مانده‌اند. امتیاز و افتخار جنبش چپ از بدو تولد خویش در این بوده است که هیچ‌گاه یک چنین پیکاری را نفی نکرده و همواره از مبارزه عدالت طلبانه توده‌های مردم دفاع و حمایت کرده است.

امروز مبارزه برای عدالت اجتماعی، بدلیل گوناگون کماکان یکی از آماجهای بزرگ جنبشهای مردمی در سراسر جهان است. سیاره‌ها هیچ‌گاه مانند امروز با بی‌عدالتی مواجه نبوده است. گروهی از کشورها و دولت‌های ثروتمند، امکانات و ثروت‌های جهان را در انحصار خویش گرفته‌اند و شکاف بین ملل فقیر و ثروتمند را به سطحی تحمل ناپذیر رسانده‌اند. جهان مافوق دربی عدالتی است و نیاز به برقراری عدالت در آن از همین بی‌عدالتی سمگین نتیجه می‌شود. ضرورت مبارزه در راه عدالت اجتماعی برای ما مبارزین ایرانی، تنها از ناآمدلان بودن جهان معاصر ناشی نمی‌شود. کشور ما ایران نیز تماما در

عدالت میان همگان توزیع گردد. آن نیروی اجتماعی، که در سازماندهی جامعه ایفای نقش خود را می‌خواهد و از دموکراسی دفاع می‌کند، آن نیروی اجتماعی، که برای سازندگی به صلح نیاز دارد و جهان را برای همگان امن می‌خواهد. نیرویی که در پی نظم نوین و مناسبات عادلانه است و هم از اینرو، منتقد پاسداران نظم موجود و معترض به نهادها و مناسبات فرتوت، تاریخ چپ، تاریخ برآمد این نیروی اجتماعی است. نیرویی که، خود نیز بدلیل تعلق به جامعه مبتنی بر زور و انقیاد و تربیت شده توسط آن، لاجرم آلوده به پلشتی‌ها و کژی‌های آنست، و نیرویی که بحکم محدودیت‌های تاریخی، کم‌آگاه و یا حتی نا آگاه به آنچه‌ای است که باید پی ریخته شود و از اینرو به ناچار محکوم به از سرگذراندن ناکامی‌ها و کامیابی‌ها

امروز در پی شکست‌هایی که بر کرده چپ نشسته است، نیروی راست آنرا به این اتهام زیر تازیانه گرفته است که تماما و همواره منشا تخریب و توقف بوده است. چپ، همه در ارتکاب خطا خلاصه می‌شود و خدماتش در تحولات جامعه و نقش آن در واداشتن راستگرایان به انجام تحولات دموکراتیک در جامعه یا بکلی فراموش می‌گردد و یا عملکرد آن چون کوهی از خطا در برابر کاهی از صواب جلوه گر می‌شود. برایش جرئت نکند خود را چپ بنامد! در اینجا نیز، از سطح معلول‌ها و نمودها فراتر نمی‌روند تا مبادا مردم بغمند که خطای چپ در چه بوده است. خطای چپ، بهیچ رو در این نبوده است که چپ مانده است - که گفتیم ارادی و ذهنی نبوده و نیست - بلکه در این بوده که با نام چپ و بویژه در مسند قدرت، به شیوه راست عمل کرد و منافع قشر معینی را جایگزین منافع و مصالح نیروی اجتماعی مردم و نیروی عظیم مولد و سازندگی ساخت و درست بصمین دلیل، کود و محافظه‌کاری سرکوبگرانه را جایگزین تحول دموکراتیک و پیوسته جامعه کرد. بجای اینکه ارتجاع را به مهار جامعه بکشد، جامعه را در مهار توقف خود گرفتار آورد. بجای آنکه در هیچ مقطعی از خدمت به تاریخ باز نماند، اراده‌گرایانه تاریخ را تحت فرمان خود خواست. هم از اینرو، ارتکاب جنایت‌هایی که تاریخا راست به آن هاشمیه بود، و در مواردی، حتی واگذاری سنگرهای به نیروی راست، که خود سالها نگهبان آنها بود. گویا تحیر در برابر همین احوال‌های تاریخی است که آقای ارسنی را واداشته تا در مقاله اول خود مرز بین راست و چپ را مخدوش بنامد و در مقاله دوم خود از "شکست محتوم چپ"، فرجام کار چپ را نتیجه بگیرد.

اما چپ با همه کژی‌ها و هلیترم همه ناکامی‌های تاریخی خود، همچنان حرکتی است متکی بر نیروهای اجتماعی تولید و سازندگی که برای رسیدن به بهترین سازماندهی ممکن به منظور تامین سود همگان و شرایط رشد و خلاقیت هر فرد، لزوما به تجهیز خود به دانش و خرد زمان نیازمند است. و پرسش اینست که آیا این نیروی اجتماعی از بین رفته است؟ آیا جهان ما به سامان آمده و همه ستم بر محرومان سر آمده است؟ "از پنجره به بیرون نظر کنید، خون را بر سنگفرش خیابان ببینید." آری، جهان ما، همچنان جهان پیداد است و جامعه ما کوره گدازان اعتراض علیه ستم، جهان، بی‌تاب برقراری داد است و جامعه ما تشنه حاکمیت عدالت. چپ جهانی، از این جهان زاده می‌شود و چپ ایرانی از دل جامعه ما، چپ ایران، بخشی از نیروی جهانگستر چپ در جهان است که نه با فرو ریختن دیوارهای برلین در کام مرگ فرو رفت و نه با فروپاشی بزرگترین دژ چپ - شوروی - ذوب و نابود شد. چپ، موجودیت دارد و همچنان نقش کوب حوادث است. چپ، فقط تاریخ نیست؛ بلکه، هستی امروز هم هست و فراتر از آن، بشارتی از بهبود اوضاع جهان در پی این دوران گذران.

چپ ایران، برخلاف نظر آقای ارسنی "هلت وجودی خود را از مهلب و کاستی‌های رژیم پهلوی" نمی‌گرفت تا با زوال آن سبب هستی خود را از دست دهد. رژیم پهلوی، معلول و پاسدار مناسباتی بود که ساکنان کشور را به انفعال کشاند و چپ، معلول نیروی اعتراضی عظیمی که در نفی مناسبات حاکم به هدف مشترک رسیده بود. چپ از اینرو به نقد رژیم پهلوی برخاست که آرا مانع بسازی جامعه ایران در مسیر آزادی و شکوفایی تشخیص داد، و این نقد اکنون علیه رژیم کنونی است و بعد هم متوجه هر نیروی دیگری خواهد شد اگر تشخیص دهیم که مانع رسیدن جامعه ایران به دموکراسی و معاصر نشانی نمی‌شود. کشور ما ایران نیز تماما در ادامه در صفحه ۸

# ملاحظات پیرامون "جهات عمومی برنامه توسعه"

بهرز خلیق

برای تهیه طرح "جهات عمومی برنامه توسعه" سلسله نوشتاری حول محورهای عمده مربوط به توسعه تمهید و مبنای بحث در جلساتی با مشارکت اعضای شورای مرکزی و ترکیبی از رفقای هیئت تحریریه نشریه کار قرار گرفت. در این شماره کار قسمت اول این سلسله نوشتار درج میشود.

## در مورد شیوه تدوین برنامه

برنامه‌هایی که تا مدتی پیش در سازمانهای چپ ایران در مورد تحولات اجتماعی تدوین میشد، عمدتاً برگرفته از برنامه‌هایی بود که در جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری رایج بود. در این جنبش جهان بینی معینی حاکم بود و برنامه‌ها بر بنیاد آن مدون می‌گشت. مواضع برنامه احزاب کمونیست انطباق آن جهان بینی بر شرایط مشخص جامعه بود. در اکثر برنامه‌های این احزاب قید میشد که "برنامه ما انطباق جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه ما است".

در حقیقت سمت‌گیریهای اساسی برنامه‌های را عمدتاً ایدئولوژی، دیدگاهها و سنت‌های رایج در برنامه نویسی در جنبش کمونیستی و کارگری تعیین میکرد و با نتیجه بخش مهمی از فرمول‌بندیها در برنامه احزاب کمونیست کمابیش یکسان بود.

جنبه دیگر در تدوین برنامه در جنبش چپ ایران - همانند کثیری از احزاب کمونیست - مبنای قرار دادن الگوی اتحاد شوروی، جمهوری‌های دموکراتیک خلق و کشورهای "سمت گیری سوسیالیستی" در امر پیشرفت اجتماعی بود. این کشورها به لحاظ ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشخصه‌هایی داشتند که در برنامه احزاب کمونیست بدرجات مختلف منعکس میشد. یعنی برنامه پیشنهادی این احزاب برای پیشرفت اجتماعی برگرفته از الگوهای مزبور بود. جریانهایی چپ ایران می‌کوشیدند که مناسبات غالب در کشور و میزان رشد آن را تعیین کرده و بر اساس آن معین کنند که کدامیک از الگوهای گرفته شده باید در برنامه مبنای قرار گیرد.

این امر مستلزم تعیین مرحله انقلاب و نوع حکومت آلترناتیو بود. در نتیجه بحث‌ها روی این نکته متمرکز بود که انقلاب در جامعه ما در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ سوسیالیستی، دموکراتیک خلق، ملی و دموکراتیک و غیره. و حکومت جایگزین کدام است؟ حکومت سوسیالیستی، جمهوری دموکراتیک خلق، جمهوری دموکراتیک ملی و غیره. این مقولات با امر مؤثری در انقلاب و مسئله مالکیت گره خورده بود.

در این نگرش مسئله مبرم و مقدم کسب قدرت سیاسی بود و مسئله پیشرفت اجتماعی بعد از کسب قدرت امری تضمین شده به حساب می‌آمد. یعنی بعد از اینکه قدرت سیاسی بدست نیروهای خلقی و یا ملی دموکراتیک می‌افتاد، خواه ناخواه مسئله عقب‌ماندگی حل شده و پیشرفت اجتماعی حاصل میشد. اما آن الگوها فروپاشید و حقایق زیادی در مورد آنها آشکار شد و معلوم گردید:

- کسب قدرت سیاسی به تنهایی تامین و تضمین کننده پیشرفت اجتماعی نیست. حتی اگر قدرت سیاسی بدست "طبقه کارگر و متحدین او" بیافتد. در گذشته اعتقاد بر این بود که اگر طبقه کارگر در رهبری انقلاب قرار گیرد، تحولات اجتماعی بی‌وقفه پیش خواهد رفت. اما در کشورهای که این منظور تامین شده، به جامعه پیشرفته دست نیافتند.

- ایدئولوژی گر چه میتواند مردم را بسیج کند ولی قادر به پاسخگویی به مسئله عقب‌ماندگی و تامین پیشرفت اجتماعی در هر کشور نیست.

- هیچ ایدئولوژی از آنچنان جامعیتی برخوردار نیست که با انطباق آن در شرایط مشخص هر کشور بتوان به پیشرفت اجتماعی دست یافت.

- تجربه نشان داد اگر جامعه‌ای مسئله عقب‌ماندگی را نتواند حل کند، ایدئولوژی و قدرت سیاسی به آسانی فرو می‌ریزد.

- مسئله اصلی در برنامه سازمان‌های سیاسی ارائه برنامه برای تحولات در جامعه است. برنامه تحولات اجتماعی را باید از الگوهای از قبل تعیین شده که از قید و بند ایدئولوژی که چارچوب معینی را به واقعیت جامعه تحمیل میکند، رها ساخت و الگوهای از پیش ساخته را کنار گذاشت و باین نکته توجه داشت که کسب قدرت سیاسی به تنهایی چاره ساز مسئله عقب‌ماندگی نیست.

- رها کردن تحول اجتماعی از قید و بند ایدئولوژی بمعنی بی‌سمت کردن آن نیست. گرایش‌های اجتماعی در تعیین راستاهای تحول در جامعه نقش جدی دارند. آنچه برای ما به عنوان

است، اساساً در پاسخ به سئوالات زیر بوده است:

۱- آیا همل توسعه نیافتگی را باید در درون کشورهای توسعه نیافته جست یا بیرون از آن؟ عبارت دیگر آیا همل توسعه نیافتگی دورنی است یا خارجی؟

۲- آیا استعمار موجب توسعه نیافتگی شده است؟ آیا وابستگی از طریق استعمار نو و بواسطه مناسبات نابرابر، توسعه جهان سوم را مسدود کرده است؟

۳- آیا اینکه همل را باید در عوامل درونی جستجو کرد مثلاً در عدم پویایی به اصطلاح "فرهنگهای سنتی" و یا "استبداد شرقی"؟ و یا اینکه هر دو عامل مؤثرند؟ در این صورت کدامیک نقش تعیین کننده دارد؟

در پاسخ به این سئوالات تاکنون نظریه‌های مختلفی در مورد امر توسعه ارائه شده است که هر یک نیازمند بررسی وسیع و عمیقی هستند. در اینجا مختصراً به موضوع مورد بحث پرداخته شده است.

## ۱- نظریه نوسازی

نظریه پردازان نوسازی بر طبق یک سنت جامعه شناختی معتقد به یک تقسیم‌بندی از جوامع، یعنی جوامع سنتی در مقابل جوامع مدرن هستند. از نظر آنها ما در یک سو با جامعه سنتی، نقطه‌ای که توسعه نیافتگی از آن آغاز میشود و در سوی دیگر با یک جامعه مدرن، نظیر جوامع غربی روبرو هستیم. آنها جامعه‌ای را که دارای ارزش‌ها و منجاری‌های سنتی معایر بارشده اقتصادی هستند به عنوان جوامع سنتی قلمداد میکنند. مثلاً می‌گویند که جامعه هند بر ارزش‌های مهنوی استوار است و طرز تفکر کلاسیک در هند بر اساس سرکوب امپال و حذف نهایی آن قرار دارد که با توسعه معایرت دارد.

نظریه پردازان نوسازی معتقدند که موانع نهادی شده در راه توسعه را باید از بین برد. بنظر آنها در مورد هندوستان و بنگال نهاد خانواده گسترده بعنوان یک نهاد سنتی قلمداد شده و بنابراین مانعی در راه توسعه است. آنها نوسازی را راه قلبه بر عقب‌ماندگی میدانند و معتقدند که عناصر نوسازی در جوامع توسعه نیافته از طریق تراوش به آنها شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر شاهه و گسترش موفقیت‌آمیز اقتصاد و تکنولوژی غربی سبب دگرگونی کلی در کشورهای در حال توسعه خواهد شد.

نظریه‌های دیگر نوسازی کمتر بر یک تقسیم‌بندی دوگانه ساده از جوامع مبتنی هستند. آنها بر یک سری از مراحل توسعه تاکید دارند. مشهورترین مدلی که در این زمینه ارائه شده است، مدل پنج مرحله‌ای روستو می‌باشد. روستو گذار از مرحله سنتی به جامعه صنعتی را طی پنج مرحله ممکن میدانند: ۱- جامعه سنتی ۲- شرایط قبل از خیز اقتصادی ۳- مرحله اقتصادی ۴- مرحله بلوغ ۵- مرحله مصرف توده‌وار. مدلی که روستو ارائه میدهد برگرفته از انقلاب صنعتی بریتانیا است.

گر چه در نظریه نوسازی عناصری از واقعیت وجود دارد ولی چکیده آن ارائه الگوی جامعه سرمایه‌داری غربی برای جوامع توسعه نیافته است. بنابر این چیزی جز نسخه برداری از معیارهای غربی نبوده و نوسازی غیر از غربی شدن معنی دیگری ندارد.

تقسیم‌بندی جوامع بصورت سنتی و مدرن بلحاظ نظری و تجربی اعتبار چندانی ندارد و به هیچ وجه گویای پیچیدگی جوامع و مراحل مختلف تحول آنها نیست. جوامع ماقبل صنعتی شبیه یکدیگر نیستند و از ساخت‌های اقتصادی - اجتماعی متنوعی برخوردارند. به همین خاطر محرکهای دگرگونی در جوامع فئودالی همانند جوامع قبیله‌ای و یا صنعتی نمی‌تواند باشد. تقسیم‌بندی روستو نیز تعمیم تجربی انقلاب صنعتی بریتانیا به تمام جوامع است.

## ب - نظریه وابستگی

برنامه‌های تدوین شده در بین نیروهای چپ ایران، عمدتاً مبتنی بر "نظریه وابستگی" بودند. این نظریه در بین چپ ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود.

بر طبق این نظریه توسعه نیافتگی محصول ساخت و یابوژی‌گیهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نمی‌باشد، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی مناسبات میان کشورهای توسعه نیافته (پیرامونی) و کشورهای توسعه یافته (مرکز) می‌باشد و روند ساختاری - تاریخی در کشورهای مرکز و پیرامونی هر دو اجزای روندی واحد با ارتباط دورنی هستند. بنابر این مسائل همدهای که کشورهای توسعه نیافته با آن مواجه هستند، مسائل درونی جامعه نبوده بلکه مسائل بیرونی جامعه

می‌باشد.

پل باران یکی از مشهورترین نظریه پردازان وابستگی می‌گوید توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم معلول رابطه این کشورها با کشورهای توسعه یافته است. اعتقاد وی این است که مازاد تولید داخلی یعنی "تفاوت بین بازده جامعه و مصرف آن" به جای آنکه در داخل کشور تحت سلطه بکار گرفته شود، توسط قدرت استعمارگر تصاحب میشود. به باور او اگر مازاد اقتصادی به شکلی "هغلائی" در جهت رفع نیازهای داخلی بکار گرفته میشد، جامعه میتواند امکان بیشتری برای توسعه اقتصادی داشته باشد. امپریالیسم دول تحت سلطه را از این امکان محروم میکند.

گوند فرانت که شاید نامدارترین اندیشمند نظریه وابستگی است، معتقد است که توسعه و عدم توسعه دوروی یک سبک‌اند و هر دو از یک آشخور آب می‌نوشند. به زبان دیگر کاخ توسعه نیافتگی ممالک پیشرفته بر روی ویرانه‌های کشورهای عقب مانده بنا شده است. او می‌گوید: "عقیده بر این است که عقب‌ماندگی کنونی یک کشور را میتوان منحصر محصول و یا انعکاس ساخت و یابوژی‌گی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور به شمار آورد. در حالی که بررسی‌های تاریخی نشان میدهد که عقب‌ماندگی کنونی تا حدود زیادی محصول رابطه اقتصادی میان کشورهای عقب مانده (حاشیه‌ای) و کشورهای توسعه یافته (متر و پل) می‌باشد. بعنوان نمونه عقب‌ماندگی کنونی امریکا لاتین، نتیجه مشارکت آنها در فرایند توسعه سرمایه‌داری جهانی در طی قرن‌ها بوده است" (نظریات وابستگی - گوند فرانت و دیگران).

به نظر فرانت کشورهای پیرامون که مشخصه آن ساختار تولیدی مخدوش و برون نگر است، از قرار گرفتن در سیر توسعه مستقل درون نگر عاجز می‌باشند. نتیجه‌گیری مختصر او این است که وابستگی به معنی توسعه نیافتگی است و توسعه وابسته نیز غیر ممکن است.

طرفداران این نظر معتقدند که برای کشورهای توسعه نیافته، راه دست یابی به توسعه در داخل نظام سرمایه‌داری بین‌المللی بسته است. برای تحقق توسعه، توده‌ها باید اتحادهای موجود بین طبقات حاکم در کشورهای پیرامون را از میان برده، کنترل مازاد اقتصادی را در دست گرفته و از نظام سرمایه‌داری بین‌المللی خارج شوند. به نظر آنها تنها چاره‌ای که وجود دارد دست زدن به انقلاب اجتماعی و سیاسی و برقرار ساختن یک نظام سوسیالیستی است.

"نظریه وابستگی" گر چه حاوی حقایق زیادی در مورد همل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و مناسبات بین کشورهای پیرامونی با کشورهای مرکز است. ولی گویای تمام واقعیت‌های عقب‌ماندگی در این کشورها نیست. این نظریه بر عوامل دورنی و موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این کشورها چشم فرو می‌بندد و به عامل انسانی کم توجه است.

"نظریه وابستگی" جنبه سلبی دارد نه اثباتی. این نظریه راه توسعه را نشان نمیدهد بلکه بر همان راه سوسیالیستی تاکید دارد. بعلاوه این نظریه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا در مستعمرات سفید پوست نشین (کانادا، آفریقای جنوبی، استرالیا) هلیر فم برقراری سلطه استعماری، توسعه صنعتی به وقوع پیوسته است و هم چنین توسعه در چهار کشور آسیای شرقی را تبیین نماید. سیمرا مین برجسته‌ترین پیام‌آور آفریقایی نظریه وابستگی سعی کرد با نسبت دادن استثنائات آسیای شرقی به "ایدئولوژی کفوسوسوسی"، توسعه آن کشورها را توجیه نماید.

## ج - نظریه نئولیبرالی

حرکت‌های نئولیبرالی ریگانیسم، تاچریسم بر نظریه توسعه نیز اثر گذاشته است. آنها "انسون بازار" را بعنوان یک عامل شفا دهنده و معجزه‌گر ایدئولوژیک تجویز میکنند. در طول دو دهه گذشته "لرد باوئر" (از مدرسه اقتصادی و علوم سیاسی لندن) منادی پیام واقعی اقتصاد بازار و مبارزه با هر نوع دخالت دولت در سیاست توسعه بوده است. "دولت گریزی" یا "توسعه از طریق فعالیت بخش خصوصی" بصورت خط مشی جدید سر برآورده است. طرفداران این نظریه می‌گویند ابتدا باید رشد و ثروت را از طریق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تحقق بخشید و سپس به توزیع ثروت پرداخت. بر طبق این استدلال توزیع بسیار نامتوازن درآمد باعث افزایش ادامه در صفحه ۹



### پذیرش تفکیک

ادامه از صفحه ۵۹

توسعه است. چپ از خود انتقاد می کند که در گذشته نتوانست در عمل و اندیشه بین آنچه که باید بنا شود و آنچه که برای چنین پی ریزی باید از بین بر خیزد، رابطه منطقی برقرار کند. اما به این نیز هرگز اجازه نمی دهد که کسانی از او فقط یک چهره مخرب و نفی کننده ترسیم کنند و بایک چرخش قلم او را از آرماتهای که برای جامعه اش داشته است، تهی کنند. از او پهلوانی بسازند در کنار گود، که گویا رجز خوانی تنافن اوست و بعد هم در پی چنین فضا سازی، زدن پنبه او به جرم منفی بانی.

چپ امروز خود را در راستای بازسازی و با آتری می کند که بتواند رابطه منطقی بین اهداف ایجابی و مبارزه برای از بین بردن موانع این اهداف برقرار سازد. موانعی که، آنها را چون دیروز، فقط قدرت سیاسی حاکم خلاصه نمی کند بلکه در مقیاس جامعه و در وجود خود مردم نیز می بیند. موانعی که، حذف آنها را چون دیروز، امری سهل و کوتاه مدت نمی شناسد بلکه کاری سترگ و دراز مدت می نماید که قبل از همه در پرتو تامین تفاهم اجتماعی در کل جامعه و به نیروی محرکه مدافعان پیشرفت و دموکراسی در جامعه قابل حصول است. چپ، فقط تاریخ گذشته نیست، چپ امتداد تاریخ خویش در لحظه نوین امروزی است و بر آنست که نقش آفرین فردا باشد. چپ را در تاریخ طی شده خلاصه کردن، یا مشخصه اصلی چپ و سازمان سیاسی چپ را در تاریخ آن جستجو کردن، به قصد اعلام انقراض چپ است و یا دستکم، تهی کردن آن از مضمون نیروی اجتماعی اش. حال آنکه، جانشین تاریخی چپ، خود چپ است در سیمای زمان.

مثلث خشونت یا کانون خشونت؟ آتای ارس، چپ ایران طی نیم سده اخیر را چنین آنگ می کند: "در دو قطب وابستگی و تدری از "توده ایسم" به فدا ایسم و بر عکس نوسان می کرد"، و آنگاه از حاصل کار "چپ تندرو" چنین جمع بست می دهد: "بدین صورت، افرادی که جز خشونت و قهرشان پایگاهی نداشتند همه جا سر برآوردند و با شکل دادن مثلث خشونت فدایی - ساواک - مجاهد ایران را به چاه محنت امروز، فروفلتاندند."

بدینسان، معلوم می شود که از میان همان چهار جریان بزرگ تاریخی که آتای ارس در اول مقاله خود به آنها اشاره می کند (نیروهای سلطنت خواه، اسلامی و پیروان مصدق و چپ ها) و دهها نیروی سیاسی کشور، این فقط مجاهدین و فدائیان و تنها یکی از نهادهای رژیم حاکم، یعنی ساواک بوده است که ایران را به چاه محنت امروز فروفلتاندند! اما، یا باید بسیار فرض ورز بود و یا فرامانده در جملت تا چنین ادعایی را کرد.

تا آنجا که به ما مربوط بوده است، ما بارها چه در مطالبی که به قلم افراد سازمان مابه تحریر در آمده و یا از زبان آنها بیان شده است، و چه در اسناد رسمی سازمان، تصریح و تاکید کرده ایم که ستایش ما از قهر در گذشته و حتی کم تر از آن مطلق کردن شیوه قهر در مبارزه سیاسی مان، نادرست و زیانبار بوده است و فراتر از اینها، ما امروز بر این باوریم که حتی تحت حاکمیت رژیم مستبد و خونریز کنونی، اپوزیسیون دموکراتیک باید بکوشد که مبارزه علیه رژیم به شکل سیاسی جریان یابد و حتی المقدور از توسل به قهر خودداری شود. البته این گوشه ای از حقیقت است که رادیکالیسم آنهم در شکل قهر آمیز، شاه پر نخوت و رژیم دیکتاتور آنرا در نحوه برخورد با مخالفانش بسی خشن تر و خونریز تر کرد. اما نشانند فدایی و مجاهد در کنار ساواک، تحریف بزرگ تاریخی است و جز تیره جانیات های ننگین ساواک و جز آلودن پرچم آرماتخواهی گروهی از بهترین فرزندان مردم ایران در دهه چهل و پنجاه به چرک و کثافت ساواک، هدف دیگری ندارد.

آتای ارس، چند سال دیرتر از خود چپ ها این حرف در دست ر ا مطرح می کند که در بررسی تاریخی روندها، نباید نقطه به نقش رژیم حاکم بسنده کرد و از عملکرد و نقش نیروهای اپوزیسیون در شکل دادن رویدادها چشم پوشید، و در همین حال خیلی دیرتر و الکن تر از کتانه سلطانی حرف می زند و قتیکه خشونت شاه و ساواک را بحساب فدایی و مجاهد میگذارد. سه راس مثلث مورد نظر آتای ارس بیگانه و همزمان بوجود نیامدند. پیش از آن، نقطه و کانونی بنام ساواک شکل گرفته بود که مارتک فرمانداری نظامی شاه در دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ را به ارث داشت و این یکی نیز خود وارث میراث دوره رضاخان و مختاریها بوده است. کانون خشونت ساواک همان بود که، بخاطر تامین امنیت گروه حاکم مطلقا امنیت را از جامعه سلب کرده بود و همو بود که مبارزه سیاسی علیه رژیم ضد ملی و سرکوبگر را به طرف مبارزه قهر آمیز سوق می داد. ساواک، همده کاتالیزور فعل و انفعال تبدیل سلاح نقد به نقد سلاح در جامعه ما بود.

باز در این تردیدی نیست که در آن دوره رادیکالیسم در جهان و جده انقلابات تهرامیز، در جامعه ما نیز یروهایی به بهره گیری از مبارزه قهر آلود علیه رژیم حاکم روی می آوردند، اما در این نیز تردیدی نیست که اگر در جامعه ما حداقل امکان هر ض اندام مبارزه سیاسی مسالمت آمیز وجود داشت و حق انتقاد از دستگاه حاکم در حداقل شرایط آن مراعات می شد، هرگز هزاران نفر از موشمندترین و مستعدترین و نجیب ترین جوانان این کشور به ستایش قهر بر نمی خاستند تا باصلاح آتای ارس

"مامل فروغلطیدن ایران به چاه محنت امروزی" شوند. علاوه، این دقتی رژیم شاه و دستگاه جهمی او بود که با تعطیل کردن حتی قانون اساسی مشروطیت و راه انداختن بساط قلدری و حذف فیزیکی مخالفان و منتقدان، ایران را به جایی رساند که وقتی منفرج شد، بخش ارتجاهی اپوزیسیون بر مسند قدرت نشست. شاه و رژیم پهلوی، عامل اصلی در فروغلطیدن ایران به چاه محنت امروزی بودند. اما، این البته تنها آتای ارس نیست که اینگونه ناچوانر دانه با شریک جرم تراشیدن برای رژیم شاه و ساواک، آنهم به نسبت مساوی و یا شاید هم بیشتر از مساوی، به تیره کارگزاران دوره پیش از نیم قرن سیادت استبداد پهلویها برمی خیزد. این نوع تصمیم نبدنست، هاتر جیح بندسختن خیلی از نویسندگان کیهان لندن شده است. همین چندی پیش آتای درایوش همایون که گفته می شود نظریه پرداز اصلی جناح معتدل سلطنت طلبان است، مثلثی شبیه مثلث آتای ارس ترسیم کرد منتهی نه در مقیاس ربع قرن که در مقیاس نیم سده، او در گفتار خود برای سمینار ایران در سال ۴۰۰۰، سه مانع عمده برای عدم استقرار دموکراسی در ایران بر شمرده که عبارتند از: "استبداد پادشاهی، چپ انقلابی، و مذهب بنیادگرا و رادیکال". یعنی همان برابر شمردن سهم های تاریخی! حتی اگر گفتار آتای همایون بطور کامل مطالعه شود، معلوم می گردد که در فکر ایشان، رضاخان و محمد رضا شاه بحر حال منشا خدماتی بوده اند ولی چپ انقلابی جز تخریب و کار شکنی نقش دیگری نداشته است. بسیار شگفت آور است که وقتی انسان می بیند آتای ارس می گوید "جامعه ای که گورستان حقایق ناگفته باشد، از گورستان نیز رهبری خواهد شد" و آتای همایون می گوید "موضوع این گفتار تاریخ است" ولی درست آنجایی که به عملکرد تاریخی پاسداران نظام سلطنتی طی نیم سده بر می گردد هر دو آنها یا سکوت می کنند و یا بریده بریده حرف می زنند. آیا بعنوان نمونه آتای همایون در طی گفتار طولانی خود نمی توانسته یک انتقاد از خود کو چک بکند که در سال ۱۳۵۴ در مقام وزیر جهاتگرددی و اطلاعات گنت: یکسکه عضویت در حزب رستاخیز را نپذیرد، جایش ایران نیست و باید کشور را ترک گوید! آخر کسیکه صدسال مبارزه در راه آزادی و ترقی در کشور ما را بررسی تاریخی - ثوریک می کند، در برابر تاریخ و مخاطبانش باید دستکم این اندازه از خود جسارت، فروتنی و صداقت نشان بدهد که به نقش خود نیز در تحکیم استبداد و ستایش حزب دیکتاتورها اشاره کند. تاکی با کین توی به چپ و پاشیدن زهر بر چشم و و حلقوم مردم، میتوان حقایق تاریخی را کتمان کرد؟

اگر سخن از بررسی نقش واقعی هر یک از نیروهای جریانات سیاسی ایران در گذشته و حال است، می توان سمیناری ترتیب داد و نمایندگان و صاحب نظران دارای نظرات گوناگون را دعوت کرد تا به بحث و اظهار نظر بنشینند. مستقیم و رودرو با مدرک و سند. اما اگر قصد، اشاره به پارهای از حقیقت های تاریخی برای پوشاندن بخش بزرگتری از حقایق تاریخی است و قصد چا انداختن فکر و نظری در میان سلطنت طلبان به حساب چپ و بمنظور افراد جناحی دیگر از سلطنت طلبان است، در آنصورت باید گفت که در همچنان بر همان پاشنه دیرین می چرخد. تا زمانیکه کیهان تهران، گذشته را فقط از زبان فردوست بیان می کند و کیهان لندن تنها از زبان نورالدین کفایوری - آوآهم با انتخاب و سلیقه خود - به روایت تاریخ می نشیند، و تا آزمان که در روزنامه های رژیم حاکم جایی برای اظهار نظرهای کسانی چون آیت الله منتظری نیست و در روزنامه کیهان لندن جایی برای درج خاطرات اسدالله علم در نظر گرفته نمی شود، باید گفت که پاسداران اصلی استبداد در کشور ما همچنان پرروش و منشن دیرینه و حال خود هستند. داسه و کوزه ها را سر چپ شکستن، چیزی را تعبیر نمی دهد.

### پذیرش مرزهای اجتماعی و یافتن زبان تفاهم

اگر شرط انصاف در میان باشد، آنگاه دیدن و تأیید این واقعیت دشوار نخواهد بود که در انتقاد از خود و درس گیری از تجارب چپ بین همان چهار جریان بزرگ تاریخی مورد نظر آتای ارس، مهربان پیشروتر از همه و بسی فاصله دارتر از بقیه است. در چند سال گذشته، بخش بزرگی از چپ ایران و فعالیت و انرژی عظیمی را به بازبینی عملکرد و اندیشه پیشین خود اختصاص داده و در بسیاری از نگرش های تبلی خود تجدید نظر های بنیادی کرده است و بهمین نسبت هم نیرو و انرژی یافته است. این تحولات در چپ از چنان دامنه ای برخوردار است که هنوز هم انگشت شمارند سلطنت طلبانی که در نگاه به این تحولات، عینک سوطن تاریخی را از چشم بر می دارند. اما آن زرنگهایی که آرزو می کنند تا تحولات پیشین در ما به درهم شکستن مرزهای اجتماعی توسط مامجر شود، ره بجایی نخواهند برد. ما، انتقاد از خود را نه برای گسست از چپ که با هدف برآمد نیرومندتر از موضع چپ سازمان دادیم. مرز ما با راست، تفکیک ما از سلطنت طلبان و جریان اسلامی، مرز و تفکیکی نیست که به اراده و خواست ما برقرار شده باشد، این باهم بودن و برهم بودن ما وجود داشته و وجود هم دارد. ما بیماری مرز کشی نداریم. ولی با صراحت تصریح می کنیم که مظهر اینسوی مرزیم و دیگرانی هم مظهر آنسوی مرز.

مرزهایی اجتماعی که، مستقل از خواست و اراده ما در جامعه وجود دارد و ناشی از وجود نیروهای دارای منافع و جهتگیری طبقاتی و اجتماعی فیر همسواست، فیکس نمی تواند واقعیت این تفکیک ما را نفی کند. اگر کسانی یافت می شوند که به انگیزه خیرخواهی میخوانند این مرزهای اجتماعی را بر کنند، بیگمان به جرم اینکه خود را از واقعیت جامعه بر میکنند، سخت بر زمین خواهند خورد و سر خواهند خورد. اما آنکس که از چپ می خواهد از تفکیک اجتماعی خود از راست چشم ببندد و به چشمه مقابل ببیند، آشکارا به شیادی سیاسی رو آورده است. این، بهیچوجه تفاهم نیست؛ بلکه، آشکارا حذف اجتماعی است که در عمل سیاسی به ناگزیر شکل سرکوب خود می گیرد. چنین کسی، نه به فکر مصلحت جامعه که در اندیشه منفعت خویش است. آتای ارس که خود در سالیان گذشته به جریان عمومی چپ تعلق داشته، مسلما از این حق بر خوردار بوده که از یک جریان به جریانی دیگر بپیوندد و از اینسوی مرز بپرد و به آن سوی تفکیک بچسبد. اما او این حق را ندارد که چپ را به انحلال و اعلام انقراض فراخواند و بهیچ رو مجاز نیست که روش خود را به پشتوانه ندامت نامه ثوریک به همه آتاهایی که خواست همین جامعه مبنی بر استمرار جریانی بنام چپ را پاسخ می گویند، تعمیم دهد. اگر برای آتای ارس اکثر تاتیو فکر گذشته چپ مبنی بر مطلق کردن مرزها و عدم تحمل مخالفین راست، امروزه این شده است که تفکیک ما را موهم اعلام کند و چپ را او فقط هم چپ را به انحلال فراخواند، برای مادرست بر عکس اکثر تاتیو فکر دیروز مان اینست که تفکیک ما را همچنان واقعی بدانیم بی آنکه آنها را مطلق کنیم. برای ما، اینست که یکسیم تا مبارزه سیاسی و اجتماعی بین جریان های اجتماعی مختلف منافع را بگونه تمدنانه سازمان دهیم و اثرادر جامعه نهادی کنیم؛ و در همانحال در جامعه این اندیشه را تثبیت کنیم که هر جریانی حق داشته باشد تا بر اساس انتخاب و حق رای مردم در مسند مدیریت و سازماندهی جامعه قرار گیرد. برای ما پرنسب اینست که اختلافات بین جریانات اجتماعی و سیاسی را هر چه گسترده تر و عمیق تر به جامعه معرفی کنیم و شعور سیاسی و اجتماعی توده مردم را ارتقا دهیم؛ و وظیفه اینست که در همانحال اصل تفاهم اجتماعی را که شرط اساسی برای ساختمان یک جامعه در مسیر سازندگی است، رعایت کنیم و تقویت بخشیم.

حقیقت بزرگ اینست که جامعه ما بحران همیق و بزرگی را از سر می گذراند. این بحران، بحران برخاستن از میان سقوط است. جریان های بزرگ کشور ما، همگی دستخوش بحران هستند. بازنگری در هویت خویش و معرفی خود در سیمای تازه، در انحصار یک جریان نیست. چپ، از همه زودتر آفاق کرده است و به همین نسبت هم از بقیه پیش تر است. ما نه از این ترسیدیم که بخشی از هویت دیروزین خود را وانیم و نه حتی از این بخود هراس راه دادیم که عناصر درست و مثبتی را از جریانات دیگر اخذ کنیم؛ و هم از نیرو رشد کردیم و می کنیم. ما دیگر درگیر این نگرانی نیستیم که کیستیم؛ همه فکر ما متوجه آنست که چپ در سیمای نوین را عرضه کنیم و باین چهره در جامعه ریشه زنیم.

جریان تاریخی مصدقیها در آستانه بزرگترین بحران تاریخی خویش قرار دارد. متعلقات این جریان تا دیروز، هلت وجودی خود را با استقلال نسبت به دو قطب جهانی توضیح می داد و نیز با طرفداری از اعتدال و قانونیت، اما اکنون دیگر نه جهان، جهان دو قطبی است که دوره طلوع مصدقها و سوکارو ها، تیتو ها و ناصرها باشد و نه اعتدال و قانونیت شناسنامه انحصاری یک جریان است. این جریان و شاخه های مختلف آن، تازه تازه در می یابند که باید بحران هویت را حل کنند و امید که موانع رشد و تجدید قوی خود را بر بچینند. اسلامیها نیز، اکنون در مقام مسئولیت حکومتی، هر دم خود را دچار تناقض می یابند و زیر فشار آسباب تضاد بین خواسته ها و منویات ذهنی شان با واقعیت های سخت زمینی جامعه و جهان امروزی، مدام تجزیه می شوند و در برابر همدگیر قرار می گیرند. اندیشه تجدید نظر طلبی و فرم در اسلام و تشیع که پیوسته دامن می گستراند، وجه پیشروی بحران هویت در میان اسلامیهاست.

در جریان سلطنت طلب ها، بحران هویت تا آنجا پیش رفته که بخش سنتی و شاه الهی، بخش دیگر را به ارتداد محض متهم می کند و این بخش، آن یکی ها را خفته های گورستان تاریخ می داند. شاه الهی ما آب در هاون مستعمل دیروز می گویند و سلطنت طلبان متحدین، هنوز آویزان بین طرفداری از دموکراسی و حق مرجعیت مردم از یکسو و اعلام حق پادشاهی پهلویها بر ایران از سوی دیگر.

ایران نیازمند دگرگونی است. همه تغییر می کنند. دگرگونیه باید مهگانی باشد تا جامعه ما تحول یابد. راه اما، فقط تغییر خود و کمک به تحول بقیه برای دگرگونی جامعه است و نه آرزوی حذف و نابودی دیگران برای محکم کردن جای پای خود و نه این پندار خام که جریان واحدی بنا شود تا جای جریانات بزرگ تاریخی کشور را بگیرد. راه پذیرش پلورالیسم فکری و سیاسی در جامعه و ایجاد شرایط برای رقابت سالم و مبارزه سیاسی شرافتمندانه بین جریانات اجتماعی و نیروهای سیاسی کشور است. راه آن است که بهنگام تراز کردن "ترانامه ها"، حقیقت به تمامی به زبان آید.

### پاسخی کوتاه

ادامه از صفحه ۶۰

تا به امروز پیموده است، البته پیشرفت و اصلاحات فراوان بوده است. سرمایه داری خشن و وحشی ترنهای گذشته در برخی کشورها جای خود را به سرمایه داری متمدن امروزی داده است. اما این سرمایه داری متمدن نیز "چهره انسانی" ندارد. نابربرهای عظیم اجتماعی، بحرانهای بزرگ اخلاقی، فسادهای گسترده، نابودی محیط زیست، بخشهای وسیعی از مردم این کشورها را به انتقاد از سیستم های حاکم کشانده است. این کشورها توانسته اند معینی از رفاه را برای مردم خویش فراهم سازند، در آنجا دیگر کمتر کسی سرگرسنه بر زمین می گذارد و آزادیهای اساسی تامین شده است، اما همه اینها امکان پذیر نشده است مگر به بهای گرسنه ماندن میلیونها انسان جهان سومی و ادامه اختناق در بخش گسترده تر جهان. جنگ نفت در خلیج فارس و تحولاتی که به ویژه پس از شکست بلوک شرق در جهان ماروی داده است، آن سوی چهره سرمایه داری را که به خاطر منافع خویش به بزرگترین جنایات دست زد، و اکنون نیز موقعیت برتر خود را به بهای تحقیر و پایمال ساختن حقوق انسانهای بیشمار و ملل عقب نگاه داشته شده حفظ می کند نشان داد. و این بخش از سرمایه داری، بخش کوچکی از جهان امروزی است. در جهان با قریب به یکصد و هفتاد کشور و دولت، کشورهای متمدن سرمایه داری از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کنند. در مابقی جهان، اکثریت جهان فقر، بی عدالتی، ظلم و اختناق بیداد می کند. عمده ترین پشتیبانان این نظم همان پیشرفته ترین و قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری هستند. هر نظام سرمایه داری بسیار بیشتر از تجربه بشر برای ساختن سوسیالیسم است، اما در این راه درازی که سرمایه داری از آغاز تا به امروز پیموده است، هیچ کجا نشانی از "سرمایه داری با چهره انسانی" دیده نمی شود. و این واقعیتی است که لازم نیست تنها چپ و سوسیالیست بود که بدان باور داشت. امروز بسیاری از دموکرات ها که به هیچ روی طرفدار سوسیالیست نیز نیستند، بیش از پیش اعتقادات خود را متوجه اساس نظام سرمایه داری و افشای هوامفریبی هایی که در مورد انسانی بودن سرمایه داری صورت می گیرد، می سازند. افتخار بزرگ چپ این است که چنین هوامفریبی هایی را همواره نفی کرده است.

مبارزه برای اصلاحات در جامعه سرمایه داری، مبارزه برای انسانی تر کردن سرمایه داری، مبارزه ای است که نه می توان آنرا نفی کرد و نه با آن مخالفت کرد. تاریخ و سن جنبشهای چپ که ما را به بریدن از آن دهوت می کنند، سرشار از چنین مبارزه ای است، اما از نظر سوسیالیست ها سرمایه داری در هر حال یک نظام فیر عادلانه و فیر انسانی است و بهمین دلیل آتاهای نئی این نظام و جایگزینی آن بانظامی عادلانه و انسانی به نفع سوسیالیسم اعتقاد دارند.

جنبش چپ در جهان ضمن وفاداری به این حقیقت بزرگ و در تلاش بزرگ خود برای تحقق آرمان های سترگ دموکراسی، عدالت و سوسیالیسم دچار شکستی سنگین شد. شکستی که مسئولیت آن قبل از همه و بیش از همه متوجه خود چپ و خطاهای بزرگی است که دچار شد. اما اگر شکست در تحقق اهداف بزرگ نشانگر نادرستی و عدم اصالت آن اهداف باشد، باید در صفوف انسانهای بدبینی قرار گرفت که از نظر آنان بشریت در این دنیا محکوم به زجر کشیدن و تحمل ناهادلتیها باقی خواهد ماند. دهها جنبش بزرگ استقلال طلبانه شکست خوردند. پیکار دیرینه بشریت بری تحقق دموکراسی هنوز در آفاق راه است. پس از قربانی نبرد در راه عدالت اجتماعی، جهان امروزی ما هنوز بسیار ناهادلانه است، اما بیگار بزرگ بشریت برای استقلال، دموکراسی و عدالت ادامه دارد، زیرا که این خواسته ها واقعی و اصیل انسانی هستند. و شکستها و عدم کامیابیها هیچکدام معنای پوچ بودن آنها نیست. مبارزین چپ معتقدند که این اهداف شریف و انسانی در نظامی سوسیالیستی، سرانجام خواهند یافت.

دستکم این گفته شود که جریان تاریخی چپ در طی حیات هفتاد و پنج ساله خود، جز طی دوره بسیار کوتاه ۶-۵ ساله همواره زیر محمیز استبداد و ارتجاع قرار داشته و تحت شدیدترین پیگردها بوده است. حداقل این یادآوری شود که چپ هرگز در مسئولیت مملکت داری قرار نگرفت تا خوب و بد خود را به تمامی و در مقام حکومت و قدرت به مردم نشان بدهد. و متقابلا، این نیز گفته شود که سلطنت طلبان بیش از نیم قرن در مسند قدرت بودند و برخوردار از همه امکانات. و این نیز تصریح شود که اسلامیها پانزده سال است بر اینکه قدرت قرار دارند و پانویزی عظیم دهها میلیون مردم بر سر کار آمدند. اگر اینها گفته شود و همچنین دهها حقیقت دیگر، آنگاه مردم می توانند با اعتماد و روشن بینی به ارزیابی ترانامه های جریانات تاریخی بنشینند و آنگاه جامعه گورستان حقایق ناگفته نخواهد ماند.



پاسخ به خوانندگان

\* دوست گرامی آقای یگانه از آلمان

با سلام متقابل، کارت تبریک نوروزی شما برای شورای مرکزی سازمان و دست اندرکاران نشریه کار را دریافت کردیم. متشکریم.

دوست عزیز آقای ساسان از ژاپن

از کارت تبریک نوروزی ابتکاری شما برای "رفقای زحمتکش نشریه کار" ممنون، و متقابلاً همیشه به یادمان.

\* دوست دیرینه آقای داوود و خانواده محترم از سوئد

از شما بخاطر تبریک نوروزی به شورای مرکزی سازمان و نشریه کار بسیار متشکریم.

\* دوستان فدایی مقیم جنوب آمریکا

کارت تبریک زیبا شما برای هیئت تحریریه کار و قطعه ادبی نفی که همراه آن بوده موجب خرسندی همه ما شد. از شما متشکریم.

\* دوست گرامی آقای وهاب از اتریش

با سلام، گزارش ارسال شما درباره کردستان عراق و اظهار نظرهای یک نماینده مجلس انگلیس راجع به اوضاع این منطقه را دریافت کردیم. گزارش مفیدی بود که متأسفانه بدلیل ضیق جا، امکان درج حاصل نشد و در نتیجه تا زگی خود را از دست داد. دست شما را به گرمی می‌نشاریم.

\* دوست گرامی آقای پژمان از بلژیک

مقاله جالبی که درباره انتخابات فرانسه نوشته بودید، زمانی بدست ما رسید که نشریه کار درباره نتایج این انتخابات مقالاتی با مضمون نوشتار شما درج کرده بود. بدلیل اجتناب از تکرار، از چاپ آن خودداری شد. نیز اینکه نتوانستیم ترجمه مصاحبه خانم حنان اشراوی سخنگوی هیئت فلسطینی در مذاکرات صلح با اسرائیل را به موقع در نشریه درج کنیم، از شما پوزش می‌خواهیم.

\* دوست عزیز آقای مجتبی لونی از پاکستان

سلام به شما. به تقاضایتان عمل کردیم و نامه‌تان را برای دبیر خانه حزب توده ایران فرستادیم. موفق باشید.

\* آقای سیاوش و همکاران از آلمان

خبر فعالیت شما برای اداره برنامه رادیویی یکساعته به زبان فارسی که با عنوان "سه گوشه جهان" در روزهای یکشنبه هر هفته (و جمعه‌ها یکم هفته در میان) در آلمان پخش میشود، مایه خرسندی ما شد. با خواست شما بیتی بر ارسال منظم نشریه کار به این رادیو موافقت و از این پس آن را بطور منظم برایتان ارسال خواهیم داشت.

\* دوست گرامی آقای رشید از برلین

ترجمه مطلب "نقر هامل نابودی جنگ‌های استوایی است" را دریافت کردیم. متأسفانه بدلیل اختلال در وضع پست، این مطلب خیلی دیر بدست ما رسید. از همکاری مترجم گرامی با اسم مخفف الف و همچنین شما، متشکریم. در انتظار تداوم این همکاری هستیم.

\* دوست عزیز آقای شهرام از سوئد

با سلام‌های متقابل، از همکاری مستمرتان با نشریه کار

متشکریم. طرح‌های جالب شما و نیز نشریه ارسال‌تان "رویا"

نشریه کارگاه روزنامه نگاری و ادبیات فارسی شهر لوند- بدستمان رسید.

پیشنهادهای موضوعی شما در باره فنی کردن نشریه کار، کمابیش از دیرباز در هیئت تحریریه نشریه کار مطرح است و مطمح نظر، کوشش ما براین است که به فراخور امکانات، در جهت پیشنهادهای شما حرکت کنیم.

ما انعکاس‌گزیده‌هایی از نشریات داخل و خارج کشور در نشریه کار را - البته در حجم محدود و همین‌ونه در حجم مورد ارزیابی شما - تافای هویت مستقل نشریه نمی‌دانیم و برعکس، آنرا مقتضی وضعی می‌شناسیم که بنابه آن، همگان را امکان دسترسی به همه نشریات نیست و نیز گامی تلقی میکنیم در راستای نزدیکی نیروهای سیاسی بیکدیگر.

در خاتمه، با نشردن دست همکاری‌تان، به شما اطمینان می‌دهیم که نشریه کار از همکاری همه رفقا و دوستانی که مایل به تلم زدن در نشریه کار باشند، استقبال کرده‌وی‌کند.

\* دوست عزیز آقای رضایی از آلمان

سلام از ماست. تذکر شما مبنی بر اینکه در درج مقالات ترجمه شده از منابع خارجی، ضرورت دارد که ذکر منبع و قید تاریخ رعایت شود، کاملاً بجاست.

امیدواریم که همکاران نشریه در هنگام ارسال ترجمه به نشریه کار، تذکر شمارا مدنظر قرار دهند.

\* دوست گرامی آقای رضایی از ژاپن

با سلام به شما، در پاسخ به موارد مطروحه در نامه‌تان باید بگوئیم:

۱) مواضع و نقطه نظرات سازمان در قبال رویدادها و روندها، هموما در نشریه کار منعکس است.

۲) به تقاضای شما برای ارسال آدرس نشریات راه کارگر، نامه مردم و اتحاد کار، عمل شد. بزودی از طریق پست آنرا دریافت خواهید کرد.

۳) نحوه اشتراک کار، بسیار ساده است: فرم مندرج در صفحه ۱۰ نشریه کار را میخواهید، پول معادل مدت اشتراک را به حساب بانکی نشریه واریز میکنید و فیش بانکی را به‌همراه فرم پر شده از طریق پست به آدرس نشریه کار می‌فرستید. بدینترتیب، شما آهونه کار شده‌اید و نشریه بموقع در دست شماست.

۴) شماره فاکس نشریه در زیر صفحه ۱۰ مندرج است و شما هر زمان که خواستید از طریق آن می‌توانید نامه یا مطلب برای نشریه را فاکس کنید.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

\* آقای اندیشه از آلمان

با سلام به شما همکار گرامی، نوشته شما پیرامون "اوضاع اقتصادی ایران" بدستمان رسید. زحمت‌تان را در تهیه این مطلب ارج می‌نیم و کوشش می‌کنیم تا جایی در نشریه بیاییم و آن را منعکس کنیم. پیشنهادمان اینست که در صورت امکان، زحمت بکشید و آن را با توجه به تمرکز بیشتر روی تحلیل وضع اقتصادی کنونی کشور که مورد بحث همه جریان‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی کشور است، خلاصه و باز نویسی کنید. دست شما را به گرمی می‌نشاریم.

آنچه که در زیر می‌آید بخش زیادی از یک نامه نسبتاً طولانی که از تاشکند برای ما رسیده است و در آن، نامه یکی از خوانندگان به نشریه که در کار شماره ۵۲ چاپ شده بود مورد انتقاد قرار گرفته است. نویسنده این نامه نشریه کار را نیز مورد نقد قرار داده است که چرا نام کسی را که در نامه مندرج در کار شماره ۵۲ منعم به "جاسوسی" شده بود چاپ کرده است. ما ضمن پذیرش انتقاد و سیاست‌گزاری از تذکر مسئولانه این دوست گرامی، در همین حال یکبار دیگر خاطر نشان می‌کنیم که آنچه در مطالب دارای امضا و از جمله نامه‌های رسیده به نشریه کار می‌آید، لزوماً موضوع نشریه کار نیست. و اینک بخش‌هایی از نامه این دوست:

با سلام، امید که هر روزتان همراه با موفقیت و شادکامی باشد.

رفقای عزیز در شماره ۵۲ نشریه سازمان - کار - مطلبی تحت عنوان "سیر و سیاحتی و هشدار" به چاپ رسیده که خود را ملزم دیدم نکاتی چند در این زمینه بنویسم، امید که نوشته‌ام را به چاپ برسانید:

علیرقم اسمی که این نوشته یک می‌کشد "سیر و سیاحتی" نه سیر و سیاحتی جغرافیایی که سیر و سیاحتی در زندگی خصوصی پناهندگان بوده و ابراز نظرات شخصی خود بدون توجه به گذشته، حال و آینده مهاجرین سیاسی در شوروی سابق. اینک عده‌ای از افراد خود را به جمهوری اسلامی و نمایندگان آن معرفی کرده‌اند، پدیده‌ای است که وابسته به رفتار سیاسی صرف با جمهوری اسلامی نیست، بلکه بسیاری از افراد بنا به نتیجه گیری‌های شخصی، پیوستن به خانواده‌های خود و برگشت به ایران را ترجیح میدهند. از دلایل این امر میتوان عدم وجود و حتی غیر معقول بودن مبارزه سیاسی از خارج و حتی عدم تمایل به مبارزه سیاسی دانست. با توجه بدین مضمون، آنجا جدا بودن از ایران و دوری از خانواده‌های خود را بی‌دلیل می‌یابند. این اشخاص به سفارت مراجعه می‌کنند و در منیسک که شاید در اروپا و شهرهای مختلف آن، آنجا به خانواده‌های خود ملحق می‌شوند و همدی را بر اهداد مردم بی حقوق ایران می‌افزایند. بی‌هیچ ادعایی و حتی خواهشی بر مبارزه... این امر می‌تواند نامه یا مطلب برای نشریه را فاکس کنید.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

با سلام به شما، در پاسخ به موارد مطروحه در نامه‌تان باید بگوئیم:

۱) مواضع و نقطه نظرات سازمان در قبال رویدادها و روندها، هموما در نشریه کار منعکس است.

۲) به تقاضای شما برای ارسال آدرس نشریات راه کارگر، نامه مردم و اتحاد کار، عمل شد. بزودی از طریق پست آنرا دریافت خواهید کرد.

۳) نحوه اشتراک کار، بسیار ساده است: فرم مندرج در صفحه ۱۰ نشریه کار را میخواهید، پول معادل مدت اشتراک را به حساب بانکی نشریه واریز میکنید و فیش بانکی را به‌همراه فرم پر شده از طریق پست به آدرس نشریه کار می‌فرستید. بدینترتیب، شما آهونه کار شده‌اید و نشریه بموقع در دست شماست.

۴) شماره فاکس نشریه در زیر صفحه ۱۰ مندرج است و شما هر زمان که خواستید از طریق آن می‌توانید نامه یا مطلب برای نشریه را فاکس کنید.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

با سلام به شما همکار گرامی، نوشته شما پیرامون "اوضاع اقتصادی ایران" بدستمان رسید. زحمت‌تان را در تهیه این مطلب ارج می‌نیم و کوشش می‌کنیم تا جایی در نشریه بیاییم و آن را منعکس کنیم. پیشنهادمان اینست که در صورت امکان، زحمت بکشید و آن را با توجه به تمرکز بیشتر روی تحلیل وضع اقتصادی کنونی کشور که مورد بحث همه جریان‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی کشور است، خلاصه و باز نویسی کنید. دست شما را به گرمی می‌نشاریم.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

با سلام به شما همکار گرامی، نوشته شما پیرامون "اوضاع اقتصادی ایران" بدستمان رسید. زحمت‌تان را در تهیه این مطلب ارج می‌نیم و کوشش می‌کنیم تا جایی در نشریه بیاییم و آن را منعکس کنیم. پیشنهادمان اینست که در صورت امکان، زحمت بکشید و آن را با توجه به تمرکز بیشتر روی تحلیل وضع اقتصادی کنونی کشور که مورد بحث همه جریان‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی کشور است، خلاصه و باز نویسی کنید. دست شما را به گرمی می‌نشاریم.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

دست شما و همه رفقای مقیم کشور آنتاب تابان را به گرمی می‌نشاریم.

از میان مقالات رسیده

نامه ای در پاسخ به نامه "سیر و سیاحتی و هشدار"

می‌گذاشت و در واقع چارچوبی برای مراجعه و حدود و ثغور مذاکرات میتوانست داشته باشد. اما در آشفته بازار اروپای سیاحتی تشکیلاتها و محدود شدن فعالیت سیاسی احزاب و بی همگی و بی توجهی خطرناک به این امر باعث شده است که افراد در برابر دعوای می‌مستقیم جمهوری اسلامی، ترسان و لرزان شاید با روحیه‌ای حاکی از سرشکستگی و خطاکار بودن و گاه برای غلبه بر این روحیه، با حالتی پرده‌درانه و فحاشی به مبارزه و فعالیت سیاسی و رهبران شهید و زنده، به سفارت می‌روند.

خطاب دوست ما بیشتر باید احزاب می‌بود. در مورد مهاجرین سیاسی شوروی سابق که هم‌اکنون مجبور به زندگی در شوروی هستند همواره یک بی توجهی عمومی وجود داشته است. بی حقوقی همیشگی، سرشکستگی از دفاع خود از دولتهای فاسد با نام آرمان سوسیالیسم، درگیر شدن با رژیم‌هایی که از فروپاشی جمهوری شوروی سابق، به

حکومت‌های محلی دست یافته‌اند و هر کدام ساز خودشان را می‌زنند و توانین خود را شکل میدهند. بحران اقتصادی فراگیر نه تنها گلوئی پناهنده سیاسی که فاقد هرگونه پشتوانه‌است را گرفته بلکه هر روز به درون زندگی محقرانه آنها یورش می‌برد.

کارگزاران جمهوری اسلامی نیز بر این وضعیت آگاهی دارند و همانند همه کشورهای که در سایر کشورها پناهنده دارند، آنها نیز در جهت جذب آنها هستند. و حتی در باغ سبز نشان میدهند. اگر مستقیماً مراجعه نمیکنند تبلیغات خود را توسط خود پناهندگان به درون آنها میفرستند. هیچکس را دست بسته به سفارت نبرده‌اند.

در بخش دیگر نویسنده گرامی شخصی بنام آقای "مبین‌راد" را متهم به جاسوسی میکند. من هم نویسنده را و هم نشریه کار را برای درج این اتهام مسئول میدانم. بنا به تمامی موازین حقوق بشر و حقوق مدنی اتهام به افراد فقط باید توسط مراجع قضائی و در مورد مشخص و شرایط معین

لا تین بر ساختارهای اقتصادی - اجتماعی این کشورها تاثیر گذاشته و برای آنها معضلات بی‌شماری فراهم آورده است. بدهی که پیامد وابستگی است، خود نیز آفریننده وابستگی شده‌است.

امروز دیگر تبیین نیافتگی با اشاره به "نارسائی‌های ذهنی ناشی از نژاد ملل توسعه نیافته" و "توسعه نیافتگی = سنت" همان قدر گمراه کننده از کار درآمده است که معادله "توسعه نیافتگی = وابستگی".

نتیجه گیری

تجربه نشان داده که الگوی حاضر و آماده‌ای برای امر توسعه در کشورهای عقب مانده وجود ندارد و از طریق تقلید هم نمی‌توان بر عقب ماندگی غلبه کرد. در گزارش برانت در سال ۱۹۸۰ بدرستی آمده است: "خودداری از پذیرش بدون ملاحظه الگوهای بیگانه، در واقع به معنی مرحله دوم استعمار زدائی است".

این امر به معنی بی توجهی به موفقیت‌های دیگر کشورها در زمینه توسعه نیست. مثلاً تجارب کشورهای ژاپن و "اژدهای کوچک" چین کمونست در امر توسعه میتواند مورد توجه قرار گیرد و از آنها درس‌هایی آموخته شود. ولی نمی‌بایست آنها را بعنوان الگوی توسعه تلقی کرد. تجربه آنها نیازمند بررسی و نقد است. شرایط جامعه آنها با جامعه ما تفاوت‌های اساسی دارند. بطور نمونه اگر "دیکتاتورهای توسعه" در این کشور موجب توسعه شدند، در ایران به دلایل متعدد حکومت‌های دیکتاتور نتوانستند به چنین مدعی نائل آیند.

از مجموع تجارب مشخص شده است که هر کشور می‌بایستی راه ویژه خود را برای توسعه جستجو کند. موفقیت‌های دیگران میتواند تنها بعنوان تجربه مورد توجه باشد نه بیشتر از آن. "اژدهای آسیای شرق" خود مسیر توسعه را امتحان کردند و موفق شدند.

ما باید استراتژی توسعه در کشورمان را، خودمان جستجو کنیم. ایران دو تجربه بزرگ را آزموده است. "انقلاب سفید" و انقلاب بهمن و دوره جمهوری اسلامی. از این دو تجربه درس‌های فراوانی میتوان آموخت و بکار بست.

مسئله عقب ماندگی و امر توسعه مهمترین مسئله جامعه ما است. بویژه اینکه در دوره جمهوری اسلامی با رشد شتابان جمعیت، پیامدهای تخریبی جنگ ایران و عراق و سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی که جامعه ما را به عقب برده‌است، امر توسعه بصورت حادثه و مبرم تر مطرح می‌باشد.

آنچه برای ما بعنوان جریان چپ مطرح است پیوند دادن رشد اقتصادی با دموکراسی و عدالت اجتماعی است. ما در پی آن استراتژی توسعه هستیم که بتواند چنین منظوری را برآورده سازد.

ما باید استراتژی توسعه در کشورمان را، خودمان جستجو کنیم. ایران دو تجربه بزرگ را آزموده است. "انقلاب سفید" و انقلاب بهمن و دوره جمهوری اسلامی. از این دو تجربه درس‌های فراوانی میتوان آموخت و بکار بست.

مسئله عقب ماندگی و امر توسعه مهمترین مسئله جامعه ما است. بویژه اینکه در دوره جمهوری اسلامی با رشد شتابان جمعیت، پیامدهای تخریبی جنگ ایران و عراق و سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی که جامعه ما را به عقب برده‌است، امر توسعه بصورت حادثه و مبرم تر مطرح می‌باشد.

آنچه برای ما بعنوان جریان چپ مطرح است پیوند دادن رشد اقتصادی با دموکراسی و عدالت اجتماعی است. ما در پی آن استراتژی توسعه هستیم که بتواند چنین منظوری را برآورده سازد.

ما باید استراتژی توسعه در کشورمان را، خودمان جستجو کنیم. ایران دو تجربه بزرگ را آزموده است. "انقلاب سفید" و انقلاب بهمن و دوره جمهوری اسلامی. از این دو تجربه درس‌های فراوانی میتوان آموخت و بکار بست.

مسئله عقب ماندگی و امر توسعه مهمترین مسئله جامعه ما است. بویژه اینکه در دوره جمهوری اسلامی با رشد شتابان جمعیت، پیامدهای تخریبی جنگ ایران و عراق و سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی که جامعه ما را به عقب برده‌است، امر توسعه بصورت حادثه و مبرم تر مطرح می‌باشد.

ملاحظات پیرامون جهات عمومی برنامه توسعه

ادامه از صفحه ۷

پس از ندادن میشود زیر بخش اعظم درآمد قابل مصرف در اختیار گروه نخبه‌ای است که تمایل زیادی به پس انداز دارد. نرخ بالای پس انداز به معنای نرخ بالای سرمایه‌گذاری است که این نیز بنوبه خود به آهنگ سریع رشد اقتصادی منجر میشود.

لیکن تجربه بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری در حال توسعه نشان میدهد که نرخ بالای پس انداز، سرمایه‌گذاری را بدنبال نمی‌آورد و موجب ایجاد ثروت ملل (بر طبق برداشت کلاسیک آدام اسمیت) نمی‌گردد. این نظریه فراموش میکند که اندوخته‌های بخش خصوصی ممکن است به جای افتادن در مسیر سرمایه‌گذاری‌های داخلی، به کارهای تجاری، دلالی بپردازند و یا به حسابهای پس انداز بانکهای سوئیسی واریز شوند.

امروز استقبال طوطی‌وار و اغلب غیر نقادانه از نظریه‌های توسعه فروکش کرده است. واقعیت در طی چند سال اخیر نشان داده است که نظریه‌های توسعه قادر به تبیین تمام پیچیدگی‌های روندها در جهان توسعه نیافته نشده‌اند. آنها وجهی از مسئله را برجسته کرده و توضیح داده‌اند. تاکنون در زمینه توسعه، نظریه جامعی ارائه نشده است.

نظریه نو سازی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با رشد جنبش ضد استعماری و استقلال طلبانه و نفی الگوی غرب توسط کشورهای تحت سلطه، ورشکسته و بی اعتبار گشت. واقعیت نشان داد که تجربه غرب تکرار نشدنی است و کشورهای توسعه نیافته با الگوی غرب نمیتوانند بر عقب ماندگی فائق آیند. در نظریه نو سازی عوامل درونی در توضیح علل عقب ماندگی مطلق شده است و به عامل بیرونی یعنی مناسبات استعماری و نو استعماری توجهی نشده است.

نظریه وابستگی در دهه‌های ۷۰ تا ۸۰ با استقبال شدید جنبش‌های رهایی بخش و احزاب و سازمانهای سیاسی که علیه سلطه غرب مبارزه می‌کردند، مواجه شد. ولی در واقعیت مسلم گشت که انقلاب هم به خودی خود قادر به حل مسئله عقب ماندگی نیست.

در کشورهای نظیر ویتنام با وجود اینکه مردم در انقلاب رهایی بخش بر آمریکا پیروز شدند ولی نتوانستند مسئله عقب ماندگی را حل کنند. بعلاوه "اژدهای کوچک" آسیای شرقی تئوری‌های وابستگی را نقض کرد. نمیتوان توسعه این کشورها را بعنوان استثنائی بر قاعده تلقی و تبیین کرد. در همین حال منطقی خواهد بود که بر اساس تعداد انگشت شماری از موارد خاص که به هیچ وجه معرف و نماینده اکثریت عظیمی از کشورهای توسعه نیافته نیستند، نتیجه‌گیری‌های عام و فراگیر نمود. اما باید توجه داشت که تجربه "گروه چهار عضوی" کشورهای آسیای شرقی همه یافته‌های طرفداران نظریه وابستگی را نقض نمیکند. بحران بدهی‌ها در امریکای

# خبرها و نظرها

## راه کارگر: امکان یا عدم امکان استحاله

## حزب دموکرات کردستان و جبهه متحد

در بخش ستون آزاد نشریه راه کارگر مقاله‌ای بقلم جلال باهنون «هیچ استحاله‌ای ممکن نیست» درج گردیده است. این مقاله در نقد مقاله‌ای که چندی قبل توسط آقای شالگوئی در این نشریه درج گردیده بود نوشته شده است. در آن مقاله آقای شالگوئی با تأکید بر ویژگی‌های جمهوری اسلامی و بالاخص منافع روحانیت بعنوان یک صنف امکان هرگونه استحاله و تبدیل رژیم جمهوری اسلامی به رژیمی غیر فقهاتی را رد کرده بود. در مقاله به امضا جلال آمده است:

«تا آنجا که به داده‌های تئوریک و همچنین روندهای عینی موجود در ایران مربوط می‌شود تبدیل جمهوری اسلامی بیک دولت بورژوازی یعنی تبدیل آن به دستگاهی برای سازماندهی سرمایه داری ایران و ادا مقام شدن آن با طبقه بورژوازی ایران با حذف مذهب بمثابه رومانی با ایدئولوژیکی دولت ملازمه ندارد. به همین ترتیب این پروسه ضرورتاً به نفع حاکمیت روحانیت نیز منتهی نخواهد شد. اگر چه این همگرایی آسان نخواهد بود و تنش‌های موجود میان رهبری جمهوری اسلامی، جلوه‌ای از این پروسه سخت و دردناک را نمایش می‌دهد» وی در ادامه ضمن رد امکان استحاله دموکراتیک رژیم می‌نویسد:

«از نظر آقای شالگوئی علت آشتی ناپذیری دولت مذهبی جمهوری اسلامی با دولت بورژوازی در مقاومت مذهب و تغییر ناپذیری قوانین شریعت و در اولویت قرار داشتن آن برای روحانیت است. اما دفاع از

این طریق در قدرت سیاسی مغایرت دارد. این همان اسلام آمریکایی است که مورد حمله خمینی قرار داشت. یا بخش‌های دیگری از همین روحانیت که زیر نام روحانیون مبارز از روحانیت حاکم انشعاب کرده است در سودای سرنوئی ولی فقیه روزشماری می‌کند.

وی در ادامه می‌نویسد: «مطلق اندیشی درباره تحولات جامعه، تاکتیک انقلابی را نیز دچار انجماد و یکسنگی می‌کند و برای مثال سیاست سازمان راه کارگر در رابطه با مساله جنگ و صلح و مطلق کردن سرنوشت رژیم به جنگ را هم در برنامه سیاسی، اقتصادی و هم در ترکیب طبقاتی نیروهای آن (پایین کشیده شدن حزب الله از راس حاکمیت) تغییرات چشمگیری بوقوع پیوسته است و همه این تغییرات تحت عنوان اسلام و تفسیرهای ایدئولوژیک رخ داده است. یکسان دانستن جمهوری اسلامی امروز و جمهوری اسلامی پس از انقلاب و نفع هرگونه تغییر آن به اعتبار توصیه ایدئولوژیک برنامه‌های آن خطاست.»

وی در ادامه می‌نویسد: «روحانیت نه از لحاظ تئوریک و نه بر اساس واقعیات موجود یک پدیده یکپارچه و متحد در امر ولایت فقیه نیست و مانند تمامی گروه‌های روشنفکری با وجود نقاط مشترک بسیار به گرایشات طبقاتی و ایدئولوژیک مختلف وابسته است و هم امروز بخشی از روحانیت بر این باور است که ادامه حاکمیت مذهب با منافع درازمدت روحانیت یعنی نفوذ معنوی آن در میان توده‌ها و از

نشریه کوردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان در سرمقاله‌ای با عنوان «پیرامون جبهه متحد» مشکلات تشکیل جبهه متحد را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه‌های این حزب را در این زمینه انتشار داده است.

این سر مقاله در ابتدا به بررسی تاریخی همکاری نیروها و تشکیل جبهه پرداخته و تشکیل جبهه متحد برای مبارزه علیه ارتجاع سلطنتی را در سال‌های ۲۴ و ۲۵ متشکل از حزب توده ایران، حزب سوسیالیست، فرقه دموکرات آذربایجان، حزب جنگ، حزب ایران و حزب دموکرات کردستان را بعنوان نمونه‌ای کوتاه مدت از تشکیل جبهه در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه، مقاله مواضع همیشگی حزب در این زمینه را مورد تأکید قرار داده و با تصریح ضرورت

تشکیل جبهه واحد و تلاش‌های دکتر قاسملو در این رابطه، می‌نویسد متأسفانه این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. مقاله، تقسیم بیش از اندازه نیروهای سیاسی به احزاب، گروه‌ها، و سازمانها، پافشاری بسیاری از گروه‌ها و دستجات بر پاره‌ای از مسائلی که نمی‌توانند نقطه نظر مشترک نیروها باشند و دور افتادن بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون از میدان اصلی مبارزه را بعنوان دلایل عمده عدم موفقیت تلاش‌ها ذکر کرده و ادامه داده است که نباید از ناکامی تلاش‌ها دلسرد گردیده و از ادامه مبارزه در این راه بازماندولی در همین حال نباید شتاب بخرج داد و جبهه‌ای را که تنها شکل باشد تشکیل داد.

در ادامه مقاله آمده است که متأسفانه در رابطه با دو مساله مهم انقلاب ایران یعنی دموکراسی و حقوق ملی هنوز مابین نیروهای

اپوزیسیون وحدت نظر پدید نیامده است و به همین دلیل در همین حال که نباید ایده تشکیل جبهه و مبارزه در این راه را از یاد برد، امروز صحیح‌تر آنست که درصدد ایجاد پاره‌ای از همکاری‌های عملی برآمد. نیروهایی که مواضع سیاسی‌شان بیکدیگر نزدیکتر است می‌توانند در بسیاری از موارد بایکدیگر همکاری کنند.

در انتهای مقاله، حزب دموکرات کردستان آمادگی خود را برای بحث و گفتگو و همکاری با تمامی نیروهایی که رژیم کنونی و رژیم سلطنتی را رد می‌کنند اعلام نموده و در همین حال به نزدیکی بیشتر خود با نیروهایی که به دموکراسی، حقوق ملی و حقوق اقتصادی و اجتماعی اقبال تمییدست اعتقاد دارند تأکید نموده است.

## انتشار مجدد نشریه کمونیست

کمونیست و خود حزب کمونیست آمده است که این حزب اشاعه و ترویج مارکسیسم به روایت کارگری مارکس و مقابله با نفع‌های بورژوازی و لیبرالی از مارکسیسم، جوابگویی به مهم‌ترین نیاز مندیهای مبارزه کارگری و افشای بی‌امان رژیم جمهوری اسلامی را پیگیری می‌نماید.

در همین شماره نشریه دو مصاحبه با آقایان عبدالله مختدی و ابراهیم هلیزاده از رهبران این حزب درج گردیده است.

آقای عبدالله مختدی بر ضرورت کار روی برنامه حزب تأکید کرده و

آقای هلیزاده بر تغییر شرایط اوضاع در کردستان عراق تأکید نموده و طرح نمودند که جمهوری اسلامی از یک طرف نیروهای متشکل در جبهه کردستان عراق را برای محدود کردن دامنه فعالیت‌های اپوزیسیون ایرانی تحت فشار قرار می‌دهد و از طرف دیگر خود مستقیماً دست به اعمال و حرکات تروریستی می‌زند. این سیاستی است که باید خنثی شود و نیروهای اپوزیسیون ایرانی می‌بایست مناسبات خود را با نیروهایی که کنترل عملی منطقه را در دست دارند به نحوی مسالمت آمیز تنظیم کنند.

## نامه‌ای در پاسخ به نامه "سیر و سیاحتی و هشدار"ی

به وطن خود بازگردند، روشن کنیم، مراجعه نمایندگان احزاب به سفارت خانه پشیمانانه بسیار معتبری برای محدود کردن خواسته‌های غیر اخلاقی و فعال مایشائی کارگزاران سفارتخانه‌ها خواهد بود آنگاه هر پناهنده مراجعه کننده نه تنها خود را سر شکسته از مراجعه به سفارت نمیداند بلکه خود را در چتر حمایت سازمانهای سیاسی می‌بیند و میتواند با مواضعی محکم تر به ایران برگردد. هشیار باشیم که رهبران سیاسی تبدیل به فرماندهان بدون ارتش نگردند. با آرزوی موفقیت‌های روزافزون برای شما

تقی - تاشکند ۹۳/۳/۱۷

**با کمکهای مالی ما را یاری دهید!**

## انتشار مجدد نشریه دنیا

مطبوعات گشود، که در اولین شماره آن پیرامون وظایف و جهت گیری این نشریه آمده بود: «دنیا در مسائل علمی، صنعتی اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث می‌نماید و این اصل رل تاریخی آن را واضح می‌کند» دومین دوره این نشریه پس از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به عنوان ارگان سیاسی تئوریک کمیته مرکزی منتشر گردید. پس از سال ۱۳۵۳ این نشریه از شکل فصل نامه به صورت ماهنامه درآمد. دوره چهارم این نشریه پس از انقلاب و در داخل کشور ادامه یافت و با

ماه گذشته نشریه دنیا «نشریه سیاسی تئوریک حزب توده ایران» انتشار مجدد خود را آغاز نمود. در سرمقاله اولین شماره دوره جدید این نشریه با عنوان «دنیا ششمین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند» اهداف دوره جدید این نشریه اعلام گردیده است. در این مقاله ابتدا تاریخ انتشار این نشریه و دوره‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته و نوشته شده است ۵۹ سال قبل انتشار اولین شماره نشریه توسط دکتر تقی ارانی افقی تازه در فعالیت

## با اشتراك «كار» ما را در پيشبرد وظايفمان ياري رسانيد

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه كار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه كار ارسال نمایید.</p>	<p>بهای اشتراك نشریه كار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا</td> <td>۴۵ مارک / ۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها</td> <td>۵۲ مارک / ۱۰۴ مارک</td> </tr> </table>	شش ماهه	یکساله	اروپا	۴۵ مارک / ۹۰ مارک	سایر کشورها	۵۲ مارک / ۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا	۴۵ مارک / ۹۰ مارک							
سایر کشورها	۵۲ مارک / ۱۰۴ مارک							
<p>مايلم نشریه كار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تعبیر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ Name: _____ Address: _____</p>	<p>مطالبی که با امضاء فردی در كار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	<p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>						
<p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>								



## سربازی انقلابی برای صلح و آزادی

آنچه که در زیر می‌آید بخشی از نوشتار رفیق بهروز میثمی از لندن درباره شخصیت والای کریس هانی دبیر کل حزب کمونیست افریقای جنوبی است که توسط نژاد پرستان افراسی ترور شد. رفیق میثمی همچنین از نزدیک افتخار دیدار با این مبارز بزرگ ضد استعمار را داشته است و سخنانی را که از رفیق هانی شنیده بود، بازگو میکند.

\* \* \*  
دوشنبه ۱۹ ام آوریل کریس هانی دبیر کل حزب کمونیست افریقای جنوبی به خاک سپرده شد.

- نلسون ماندا در سخنرانی خود گفت: "کشتن ناجوانمردانه کریس هانی تنها جنایت علیه همبازی از ما نبوده است، بلکه جنایتی بود علیه مردم کشور ما".

- جیل مارکوس سخنگوی A.N.C. اشاره کرد که مرگ هانی رهبری را از ما جدا کرد. ما باید سعی کنیم و ثابت کنیم که یاد او پایدار خواهد بود.

- جوسلوو صدر حزب کمونیست افریقای جنوبی: هانی یکی از کبیرترین مبارزین راه

آزادی در جنبش رهائی بخش کشورمان و دنیا بود. هدف از ترور او چیزی جز به بیراهه کشاندن مذاکرات صلح بین ما و دولت نبوده است. کریس نه شاهین جنگ بود و نه کیوتر صلح او مرد زندگی بود.

ویکتوریایرتین روزنامه نگار روزنامه گاردین که آشنایی نزدیکی با کریس هانی داشت در ستایش از او می‌نویسد (گاردین ۱۴ آوریل) او با شور و اشتیاق درباره دستیابی به عدالت اجتماعی صحبت می‌کرد. شور و احساس او به نزدیکان او نیز سرایت می‌کرد.

دیسپلین و سخت‌کوشی که هانی در دامان حزب کمونیست یاد گرفته بود، او را از باقی رهبران تبعیدی مجزای کرد. این خصوصیات علاوه بر موی او به گفته "جری کرونین" "شاهرو همکار وی، او را از باقی رهبران مجزا می‌کرد. بطوریکه، بعد از نلسون ماندا محبوبترین رهبر جنبش محسوب می‌شد. او می‌گفت که از اینکه رمانتیک و انقلابی مستم بر خود می‌بالم، او شیفته ادبیات بود. با تمامی رمانها و ادبیات قرب آشنایی داشت. این توانایی او باعث شد که قضاوت

سریع و صحیحی نسبت به مردم داشته باشد.

درست در روز قبل از مرگش با اتحادیه معدنچیان در مذاکره بود تا بگونه‌ای بیسواد را در میان معدنچیان از میان ببرد. کریس هانی همیشه با آتوقشی باز از مردم، دانشجویان و فعالین اتحادیه‌ها پذیرایی می‌کرد و همیشه برای آنها وقت داشت.

- مراسم یادبود در روز ۱۹ آوریل مصادف با خاک سپردن او- در لندن نیز راهپیمایی صورت گرفت. اسقف ترور هادستون صدر افتخاریه جنبش ضد آپارتاید در بریتانیا گفت: او به ما زندگی کردن، عشق ورزیدن، تحمل داشتن و مبارزه کردن را یاد داد.

کریس هانی دو ماه قبل پس از بازگشت از سفرش از کوبا، چند روز در لندن اقامت داشت. طی دیداری که سعادت آترا داشتیم، از ایران، دولت، از جنبش کارگری و از نیروهای چپ پرسید. پس از شنیدن صحبت‌هایم، دستم را بگری می‌فشارد، لبخندی زد و گفت: سی سال است که مبارزه می‌کنم. هرگز انتظار نداشتم این چنین طولانی باشد. رفیق! ما هم روزی روی برنده سکه را خواهیم دید.

## رئیس جمهور سری لانکا به قتل رسید

است مظلومین اصلی حادثه، اعضای سازمان جدایی خواه موسوم به بیرهای تامیل ایلام اند. این سازمان هر گونه دخالت خود را در سو قصدتکذیب کرد.

طرفداران جبهه متحد دمکراتیک ملی سری لانکا که ائتلاف اپوزیسیون این کشور است، پس از اعلام مرگ رئیس جمهور به خیابانها ریختند و این حادثه را با برپا کردن آتشباری جشن گرفتند. اپوزیسیون سری لانکا دولت را متهم به دست داشتن در یک بمب گذاری کرده است که در آن در روز سوم اردیبهشت، مهمترین رقیب داخلی رئیس جمهور مقتول سری لانکا کشته شده بود.

حکومت رئیس جمهور سری لانکا، توام با شیوه‌های دیکتاتوری و سرکوب اپوزیسیون بود.

جنگ در سری لانکا ادامه دارد. هنوز برای مسئله اقلیت تامیل در شمال این کشور راه حلی یافته

راتاسینگه پرماداسا رئیس جمهوری سری لانکا با انفجار بمبی در کلمبو پایتخت این کشور به قتل رسید. نحوه قتل پرماداسا به ترور راجیو گاندی شباهت داشت. در هر دو مورد، سو قصد کننده با بستن بمب به بدن خود دست به ترور انتحاری زد. علاوه بر رئیس جمهور ۶۸ ساله سری لانکا، هفده تن دیگر بر اثر انفجار بمب کشته شدند و حداقل ۶۰ تن مجروح گردیدند.

تروریست انتحاری با بمبی که به بدن خود بسته بود سوار بر دوچرخه وارد گروه افرادی شد که دور رئیس جمهور را گرفته بودند. در نتیجه همه دستیاران رئیس جمهور کشته شدند. پس از سو قصد، دینگری باندا نخست وزیر به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد کرد و قرار است تا انتخابات آتی همده دار این مقام باشد. پس از ترور در سراسر کشور به مدت یک روز مقررات منع عبور و مرور برقرار شد.

پلیس سری لانکا اعلام کرده



صحنه سو قصد پس از انفجار بمب.

نشده است. جنگ داخلی که ده سال پیش آغاز شد، تاکنون به بهای جان ۲۵ هزار نفر تمام شده است. این جنگ هر روز سه میلیون دلار به سری لانکا لطمه می‌زند. در این جنگ ارتش سری لانکا دست به نقض خشن حقوق بشر می‌زند و متقابلاً "بیرهای تامیل" مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند. در این فضای توام با خشونت، هر احتمالی در مورد مسئولیت ترور اخیر می‌رود.

## هرج و مرج در افغانستان ادامه دارد

جلال آباد نفوذ دارد. و در حالی که گروه‌های چریکی در قندهار واقع در جنوب افغانستان درگیر جنگ اند، مزار شریف در شمال آرام است و تحت کنترل مستحکم ژنرال رشید دوستم مرد نیرومند این منطقه قرار دارد.

ژنرال دوستم که تغییر جبهه او سال گذشته به سقوط نجیب‌الله انجامید، تاکنون در کابل خواسته‌های زیادی مطرح نکرده است. مزار شریف، مرکز قدرت دوستم، اینک رونق می‌یابد. این شهر برخلاف سایر شهرهای همده افغانستان از جنگ آسیب چندانی ندید.

مزار شریف تعداد نمایندگی‌های هم اکنون در خارج که مشغول کارند بیش از کابل است. بازار مزار شریف شاید از همه شهرهای دیگر پر رونق‌تر باشد، و برق شهر که از ازبکستان تامین می‌شود، دچار اختلال نیست.

پست کنترل جاده جلال آباد به کابل، فرد مسلحی سوار یک اتوبوس شده، با مشاهده افراد خارجی در این اتوبوس، وقتی می‌گوید: "زنده باد نجیب‌الله، تا وقتی رهبران قوی نداریم، جنگ خواهد بود."

نکته جالب این است که هلیرفرم تداوم جنگ، مردم افغانستان قابلیت عجیبی در ادامه زندگی از خود نشان می‌دهند. وقتی از اصابت موشکها خبری نباشد، بازار کابل پر رونق است.

در سایر مناطق کشور، به نظر می‌رسد مردم بطور کامل نسبت به خونریزی در کابل بی‌تفاوتند. شهرها به نواحی آرام و هملا مستقل تبدیل شده‌اند. در هرات، یک فرمانده محلی بنام اسماعیل‌خان بر قلمرو حکم می‌راند که به "مملکت شمال غرب افغانستان" مشهور است. دولت پاکستان در شهر شرقی

شبکه برق کابل دچار اختلال است و مخالفان حکمت یار، گناه این مشکل را به گردن او می‌اندازند. وقتی برق قطع می‌شود، آبرسانی نیز متوقف می‌گردد. خشونت حتی متوجه شهروندان خارجی نیز می‌شود. در بهمن ماه چهار کارمند سازمان ملل، از جمله دوفربی، در کنار جاده جلال آباد اعدام شدند. ماه گذشته سازمان ملل و گروه امداد "پزشکان بدون مرز" دفاتر خود را در شمان گذر بستند.

از هنگام سرنگونی نجیب‌الله بدین سو، خبری از او نیست. در حالی که هنوز تصمیمی در باره سر نوشت او گرفته نشده است، وی هنوز در پناهگاهش واقع در یک مجتمع سازمان ملل در کابل به سر می‌برد. برخی مردم افغانستان حسرت روزهای گذشته را می‌خورند. یک خبرنگار فربری گزارش می‌دهد که در یک

## نخست وزیر سابق فرانسه خودکشی کرد

دوره زمامداری خود، توجه اصلی دولت را معطوف به اثبات کردن ارزش برابری فرانک، واحد پول فرانسه کرد.

فرانسوا میتران در دفاع از برگووا گفت صرف این نکته که در اواسط دهه ۸۰، برگووا که سالها بود مقام‌های عالی رتبه دولتی و از جمله وزارت را بر عهده داشت، برای تهیه منزل ناچار به گرفتن وام شده است، نشانه سلامت مالی او است.

ناظران معتقدند علت اصلی این اقدام برگووا، اتهاماتی است که در رابطه با دادن یک وام بدون بهره از سوی یک بورس‌باز به برگووا مطرح شده بود. برای رسیدگی به این اتهامات، کمیته ویژه‌ای تشکیل شد. همچنین گفته می‌شود شکست سوسیالیستها در انتخابات می‌تواند وضعیت روحی برگووا را وخیم کرده باشد.

برگووا در دوم آوریل ۱۹۹۲ به جای خانم ادیت کرسون به نخست‌وزیری منصوب شد. وی در

پی‌یر برگووا نخست‌وزیر سابق فرانسه که حزب سوسیالیست او در انتخابات پارلمانی اخیر از احزاب دست‌راستی شکست سختی خورد، هنگام یک گردش همراهِ در کنار رود لوآر با شلیک گلوله‌ای از اسلحه‌ای که در اتومبیلش بود، خودکشی کرد. تلاشهای پزشکان برای نجات برگووا به نتیجه نرسید و وی پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد. انگیزه خودکشی برگووا کاملاً روشن نشده است. اما برخی از

## تصویب قانون اساسی فدرال در بلژیک

مخالفت‌هایی رویرو شده است. روز ششم اردیبهشت ماه، جمعیتی نزدیک به ۵۰ هزار نفر در بروکسل علیه این تصمیم به تظاهرات پرداختند که در زیر باران شدید با چترهایی به رنگ پرچم بلژیک راهپیمایی کردند. اما پلیس تعداد شرکت کنندگان در این تظاهرات را ۲۵ هزار نفر برآورد کرده است. راهپیمایان مدعی بودند که آنها نماینده اکثریت خاموش جامعه ۱۱ میلیونی بلژیک هستند که اهم از فلامن ها و فرانسوی زبان ها با این تصمیم پارلمان مخالفتند.

آنچه که در بلژیک رخ داد، شکل دیگری از فدرالیسم را به نمایش می‌گذارد که در آن حرکت نه از پراکندگی به تمرکز فدرال که از تمرکز به وحدت فدرالی بوده است. همچنین این موضوع نیز اهمیت دارد که معضل دیرینه ملی در بلژیک از طریق قانونی و مسالمت آمیز رو به حل و فصل است.

این خواست در میان فرانسوی‌زبانها که هم‌دا ساکن منطقه جنوبی بلژیک هستند، منطقه‌ای که با فرانسه هم مرز است، طرفدار چندانی نداشت. آنچه که در این میان همواره موضوع بحث بوده است، موقعیت پایتخت این کشور یعنی شهر بروکسل بود. جمعیت این شهر تقریباً به تساوی از دو بخش فلامن زبان ها و فرانسوی زبان ها تشکیل شده و در ادارات و مدارس و برنامه‌های رسانه‌های خبری، هر دو زبان رسمیت دارند. با آنکه سطره زبان فرانسوی در کشور نسبت به زبان فلامن آشکارا محسوس است اما رابطه نیرومند این کشور با هلند از یکسو و قدرت اقتصادی برتر منطقه فلاندر نسبت به والنویا از سوی دیگر، محرکه نیرومندی برای اصلاح قانون اساسی این کشور به سود تامین خودمختاری برای سه منطقه فلاندر، والنویا و بروکسل بود. این تصمیم پارلمان با

پارلمان بلژیک روز چهارم اردیبهشت ماه، قانون اساسی جدید فدرال را که برای مناطق فلاندر و والنویا و بروکسل خودمختاری گسترده‌ای تضمین می‌کند، به تصویب رساند. خواست تبدیل ساختار سیاسی کشور به فدراتیو و تامین خودمختاری، از مدتها پیش مطرح بود و بویژه در منطقه فلامن زبان ها واقع در بخش شمالی و مرکزی بلژیک از حدت بیشتری برخوردار بوده است. فلامن زبان‌ها، ایجاد اتحاد منطقه‌ای بین بلژیک، هلند و لوگزامبورگ معروف به کشورهای بنه لوکس را که از چند سال پیش به اجراء درآمده بود و در واقع پیش‌قراول روند وحدت جامعه اروپایی به حساب می‌آید، کافی نمی‌دانستند. فلامن زبان‌ها که به زبان هلندی سخن می‌گویند، خواهان این بودند که ساختار متمرکز سیاسی کشورشان به فدرالیسم گذر کند.

## دور جدید مذاکرات صلح در خاورمیانه

است. این سخت‌گوا افزوده است اظهارات اخیر وارن کریستوفر وزیر خارجه ایالات متحده نیز که هدف از مذاکرات را تامین حق سر نوشت فلسطینی‌ها دانسته است، نمی‌تواند سوابق منفی امریکا در خاورمیانه را تحت الشعاع قرار دهد.

موضع جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین نسبت به مذاکرات، نسبت به موضع جبهه خلق بانر مش بیشتر است. همراه است. جبهه دمکراتیک با گفتگوهای فعلی مخالف است اما می‌گوید اگر مذاکراتی به عقب نشینی اسرائیل و احیای حق تعیین سر نوشت فلسطینی‌ها بینجامد، مخالفتی با چنین گفتگو‌هایی نخواهد داشت. جبهه دمکراتیک تاکید می‌کند خواهان راه حل قهرآمیز مسئله نیست، اما این اسرائیلی است که بطور روزمره دست به اعمال قهر می‌زند.

موضع جبهه خلق در مورد مسئله آب و تقسیم آن میان کشورهای منطقه این است که این مسئله، انگیزه اصلی اسرائیل برای سرباز زدن از تخلیه کرانه فربری رود اردن است که منطقه‌ای دارای ذخایر آبی سرشار محسوب می‌شود. نماینده جبهه خلق در بیت المقدس طی مصاحبه‌ای گفته است این جبهه طرفدار "تشنه نگره داشتن" اسرائیل نیست اما اسرائیل باید در ازای ۲۵ سال بودن آب از فلسطینی‌ها، فرامت بپردازد. وی می‌افزاید در حالی که نوار فزه بکلی خشک

اعطای نوعی خود مختاری محدود به ساکنان این مناطق است. جبهه خلق و جبهه دمکراتیک خاطر نشان می‌کنند که تعلقنامه‌های شورای امنیت از ۱۹۶۷ بدین سو، بر پس دادن مناطق اشغالی از سوی اسرائیل تاکید کرده است. موضع گروه‌های چپ فلسطینی این است که حتی پذیرش محدود ماندن قلمرو فلسطین به نوار فزه و کرانه فربری رود اردن به انضمام بیت المقدس شرقی نیز عقب نشینی بزرگی نسبت به نقشه ۱۹۴۷ سازمان ملل برای تقسیم فلسطین است زیرا نوار فزه و کرانه فربری تنها ۲۳ درصد قلمرو فلسطین طبق نقشه ۱۹۴۷ را تشکیل می‌دهد. با این حال گروه‌های چپ در سال ۱۹۸۸ پذیرفتند که ساف با موجودیت اسرائیل و قطعنامه‌های سازمان ملل از ۱۹۶۷ بدین سو موافقت کند و اکنون می‌گویند دیگر حاضر نیستند روند صلحی را بپذیرند که تشکیل دولت مستقل در ۲۳ درصد قلمرو قانونی فلسطین را هم شامل نمی‌شود و خودمختاری محدود را به جای آن می‌نشانند. انتقاد دیگر جبهه خلق به مذاکرات، این است که گفتگوها تحت نظارت امریکا صورت می‌گیرد در حالی که سرپرستی گفتگوها وظیفه سازمان ملل است. یک سخنگوی جبهه خلق برای آزادی فلسطین خواهان مشارکت بیشتر بازار مشترک اروپا در روند صلح شده

ادامه از صفحه ۱۲

## دور جدید مذاکرات صلح در خاورمیانه

## هرج و مرج در افغانستان

### ادامه دارد

شدند. محاصره توسط حکمت یار، بهای مواد غذایی را بالا برده است. یک کیسه صد کیلویی آرد که مصرف ماهانه یک خانواده متوسط کابلی را تشکیل می دهد، از ۲۰ به ۲۵ دلار رسیده است، در حالی که در آمد ماهانه متوسط یک خانوار سی دلار است. دهها هزار تن از اهالی کابل گریخته و به خیل بیش از چهار میلیون افغانی پيوسته اند که بعنوان آواره در پاکستان و ایران و در گوشه و کنار افغانستان زندگی می کنند. هفته نامه نیوزویک از قول یکی از اهالی کابل که در این شهر مانده است می نویسد: "تنها راه حل مسائل افغانستان این است که همه رهبران راسوا و ریک هوابیما کنند و این هوابیما را سرنگون سازند." روز شانزده اسفند ۷۱، رهبران مجاهدین برای چندمین بار توافق کردند که یک دولت موقت در کابل تشکیل دهند. اما این توافق نیز بر اثر همان عواملی که به شکست توافق های قبلی انجامید، یعنی مداخله خارجی و قدرت طلبی های شخصی، نافرجام مانده است. تحت فشار پاکستان که سالها از حکمت یار حمایت کرده است، توافق اسفندماه این رهبر رادیکال و تشنه قدرت مجاهدین نخست وزیری کرد، در حالی که از هنگام رسیدن مجاهدین در کابل، این احمد شاه مسعود وزیر دفاع و رقیب حکمت یار بوده که در کابل بیشترین قدرت را داشته است. مسعود که در داشتن سابقه جنگی دست کمی از حکمت یار ندارد، طی سالها به نشان دادن انعطاف و پراگماتیسم معروف شده است. اما اینک شهرت او در حال خدشه دار شدن است زیرا سایر رهبران افغانی، مسعود را متمم می کنند که به همان اندازه رقیب سرسخت خود، به مسند قدرت علاقه دارد. سید جعفر نادر استنادار بقلان که در مرکز این استان پرچم خود را برافراشته است می گوید: "مسعود تنها منافع خود را در نظر دارد و معتقد است همه باید بنده او باشند."

جنگ قدرت حکمت یار و مسعود، نظم عمومی و خدمات را تقریباً به کل برهم زده است. راههای آسیب دیده تعمیر نمی شوند و مناطق خارج از پایتخت، متروک و ویرانه اند. **ادامه در صفحه ۱۱**



خیابانهای کابل پس از یک سال جنگ میان مجاهدین، تصویری از ویرانی است.

اخیراً در شهر پل خمری واقع در شمال افغانستان، مرد قدرتمند این منطقه بنام سید جعفر نادر نیروهای خود را فراخواند تا پرچم جدیدی برافرازد. این پرچم رابه اهتزاز در آوردند و نیروهای نادر، نسبت به این بیرق که پرچم جدید "افغانستان شمالی" خوانده شد، ادای احترام کردند. البته نادر با شتاب این توضیح را داد که قصد از برافراشتن این پرچم، سرپیچی از فرمان "رهبران ملی" در کابل نیست. وی در همین حال افزود: "تنهایی که به فکر ما نیستند، پس چرا ما به فکر آنها باشیم؟ ظرف یکسال، حتی نتوانستند یک پرچم طراحی کنند. پس دیگر از آنها برای انجام کاری به نفع کشور چه انتظاری می رود؟"

واقعاً نیز از رهبرانی که یک سال پس از سرنگونی دولت نجیب الله و پایان جنگ چهارده ساله برای برکناری رژیم متمایل به شوروی، هنوز جنگ داخلی را ادامه می دهند، انتظار نمی رود سر عقل آیند. پیش بینی های آنهایی که می گفتند ائتلاف گروه های مجاهدین - که طیف نیروهای اسلامی از بنیادگرا تا نیمه لائیک را در بر می گرفت - به محض قلبه بر دشمن مشترک فرو خواهد پاشید و به رهبران محلی کمابیش خودمختار مانند نادر مجال قدرت گیری خواهد داد، به وقوع پیوسته است. انگیزه ادامه جنگ داخلی که در کابل و پیرامون آن متمرکز است، تنها قدرت طلبی است. گلبدین حکمت یار کاندیدای نخست وزیری و احمد شاه مسعود وزیر دفاع که رقبای اصلی در جنگ محسوب می شوند، آنچنان به هم بی اعتمادند که حکمت یار تا بحال حتی از ورود به کابل سر باز زده است. در عوض، نیروهای او در تلاش برای وادار کردن مسعود به کناره گیری از مقام مهم خود، به موشک باران و محاصره شهر یک میلیونی کابل ادامه می دهند. مسعود که کنترل نیروی هوایی و نیروی مسلح هزاران نفره و فادار به خود را در اختیار دارد، تاکنون مقاومت کرده است.

ساکنان کابل زیر فشار های طاقت فرسا قرار دارند. اخیراً یک موشک به بیمارستان کمیته بین المللی صلیب سرخ در کابل اصابت کرد و در نتیجه چهل افغانی که به عیادت بستگان بیمار و مجروح خود آمده بودند، مجروح

صدهزار فلسطینی نتوانند به سر کار خود در اسرائیل بروند. اسرائیلی ها همچنین به تفتیش خانه ها و تخریب منازل دست زدند که احتمال می دادند در آنها فعالین انتفاضه ساکن باشند. این اقدامات دولت رابین برای راضی کردن دست راستی های افراطی در اسرائیل صورت گرفت اما در عوض، موضع فلسطینی های متمایل به از سرگیری مذاکرات را تضعیف کرد. علاوه بر این، در تمام طول هفته های گذشته کشتار مردم نوار فزه توسط سربازان اسرائیلی ادامه یافته است. این عوامل باعث آن شده است که سازمانهای چپ فلسطینی، از جمله جبهه خلق و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، به صف مخالفان مذاکرات پیوندند. این دو سازمان برخواست تشکیل دولت مستقل در نوار فزه و کرانه غربی رود اردن و استقرار پایتخت آن در شرق بیت المقدس پافشاری می کنند. این در حالی است که اسرائیل تنها حاضر به **ادامه در صفحه ۱۱**

می گویند وحشت اسرائیلی ها از نوار فزه آنها را به فکر عقب نشینی انداخته است، پس باید کاری کرد که اسرائیلی ها از کرانه غربی رود اردن نیز وحشت پیدا کنند. در آستانه مذاکرات اخیر، اسحاق رابین خواهان آن شد که سیاستمداران اسرائیلی با طرح نظریه عقب نشینی یکجانبه از نوار فزه، باعث سرسختانه تر شده موضع فلسطینی ها نشوند. رابین گفت: "اگر آنها تصور کنند که از راههای دیگری می توانند به اهداف خود برسند، چه انگیزه های برای شتافتن به پای میز مذاکره خواهند داشت؟" اعضای هیات نمایندگی فلسطین پیش از آغاز گفتگوها نسبت به امکان نشان دادن انعطاف از سوی رابین ابراز تردید کردند و افزودند تدابیر امنیتی جدید اسرائیل، ائتلاف ماهیت واقعی ژست های آشتی طلبانه مقامات دولت این کشور است. از جمله این تدابیر امنیتی، قطع ارتباط مناطق اشغالی و اسرائیل در اواسط فروردین بود که باعث شد بیش از

ارضی خواهد بود. نیروهای موسوم به لیبرال اسرائیل خطاب به فلسطینی ها می گویند که نباید در مذاکرات از موضع سرسختانه ای حرکت کنند زیرا اسحاق رابین نخست وزیر فعلی اسرائیل و رهبر حزب کارگر، انعطاف پذیرترین طرف گفتگوهای ممکن برای اعراب است. اما چنین استدلال هایی، در میان فلسطینی ها با گوش شنوا مواجه نمی شود. برخی ساکنان کرانه غربی رود اردن معتقدند باید در این منطقه نیز طبق الگوی نوار فزه عمل کرد. در نوار فزه، قیام مردم آنچنان ابعادی به خود گرفته است که در اسرائیل طرفداران این نظر که باید نوار فزه را صرف نظر از هر گونه توافق صلح، بهر حال تخلیه کرد، زیاد شده اند. برخی از سیاستمداران اسرائیلی از نظریه عقب نشینی یکجانبه از نوار فزه حمایت می کنند، و این امر باعث شده است در کرانه غربی رود اردن نیز الگوی نوار فزه، سر مشق برخی از فلسطینی ها قرار گیرد. آنها

اوایل اردیبهشت، دور جدید مذاکرات صلح خاورمیانه در واشنگتن آغاز شد. از سرگیری گفتگوها بدنبال وقفه چهار ماهه ای صورت گرفت که بدنبال اخراج نزدیک به چهار صد فلسطینی ساکن مناطق اشغالی از سوی اسرائیل، در مذاکرات صلح ایجاد شده بود. تاکنون هشت دور گفتگوها نتوانسته به نتیجه ملموسی بیانجامد. با توجه به این امر و از آنجا که اسرائیل هنوز حاضر به بازگرداندن تبعیدی های فلسطینی ساکن اردوگاه جنوب لبنان نشده است، فلسطینی ها رقبیت چندانی به شرکت در دور جدید گفتگوها نداشتند، اما هاقبت تحت فشار آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی به از سرگیری مذاکرات تن دادند. نقش اصلی در جلب موافقت هیات فلسطینی با دور جدید گفتگوها را موضع گیری یاسر عرفات رهبر ساف داشت که بدنبال یک جلسه طولانی شبانه در اردن، اعلام کرد که با مذاکرات موافق است. بدنبال اعلام آمادگی فلسطینی ها، خانم حنان مشراوی سخنگوی هیات نمایندگی آنها گفت اگر این هیات با دست خالی از گفتگوها برگردد، روند صلح بطور قطع با شکست مواجه خواهد شد.

مقامات امریکایی و دیپلماتهای اسرائیلی برای اعمال فشار به فلسطینی ها جهت واداشتن آنها به شرکت در مذاکرات، چنین استدلال کردند که مهم ترین برنده پیشرفت روند صلح و مهم ترین بازنده شکست آن، فلسطینی ها خواهند بود، زیرا ساف فاقد نیروهای مسلح کافی برای پس گرفتن اراضی اشغالی است و از سوی دیگر، به مرور زمان تعداد هر چه بیشتری از یهودیان به شهرک های اسرائیلی در کرانه غربی رود اردن نقل مکان می کنند بطوری که معامله "صلح به ازای زمین" هر چه دشوارتر می شود. این مقامات می گویند شکست گفتگوها، یک پیروزی برای تندروهای اسرائیلی مخالف عقب نشینی های



نوار فزه، فلسطینی ها جنازه یکی از سه شنبه چهارده اردیبهشت: دوستان خود را که بدست اسرائیلی ها کشته شده است، روی دست دارند.

## تظاهرات اول ماه مه در مسکو

مطلقاً واجدین شرایط را برای برگزاری انتخابات پیش رس ریاست جمهوری و پارلمان بدست آورد. در نتیجه، روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان اعلام کرد نتایج فرآیند تغییر در وضعیت سیاسی روسیه نمی دهد. متقابلاً یلتسین گفت از این پس هر کس با اصلاحات مخالف کند، در برابر مردم قد علم کرده است. رئیس جمهور روسیه افزود به زودی طرح قانون اساسی جدید را برای نظرخواهی از مردم منتشر خواهد کرد. طبق این طرح، امتیازات پارلمان محدود و بر اختیارات رئیس جمهور افزوده خواهد شد.

بیم آن می رود که یلتسین با تکیه بر کسب ۵۷ درصد آرا در فرآیند، بر تلاشهای خود برای برقراری دیکتاتوری فردی بیافزاید. از جمله این تلاشها، ارائه مستقیم طرح قانون اساسی به مسئولان محلی مناطق مختلف روسیه بدون ارائه آن به پارلمان است. یلتسین به این مسئولان

پلیس به آتش کشیده شد و راهپیمایان به سنگ سازی پرداختند. پلیس و نیروی ویژه وزارت کشور با باتوم های لاستیکی و ماشین های آب پاش به تظاهرات حمله ور شدند. شعارهای تظاهرات به ویژه علیه یلتسین و آمریکا بود. در جریان تظاهرات ۱۵۰۰ تن از شرکت کنندگان در راهپیمایی، موفق شدند به میدان مقابل ساختمان پارلمان رسیده، خواهان سرنگونی یلتسین شوند. در این مراسم آنا تولی لوکیانف رئیس سابق پارلمان شوروی شرکت داشت و به سخنرانی پرداخت.

فرآیند روسیه به همان نتایجی که پیش بینی می شد انجامید. طبق آمار رسمی، اکثریت شرکت کنندگان در رای گیری به یلتسین و اصلاحات او رای اعتماد دادند اما رئیس جمهور روسیه نتوانست اکثریت

تظاهرات حزب کمونیست روسیه در مسکو به مناسبت اول ماه مه، به شدیدترین ناآرامی ها در این شهر از هنگام انحلال اتحاد شوروی تا کنون انجامید. هزاران نفر از طرفداران حزب کمونیست در این تظاهرات به زد خورد با پلیس پرداختند. یک سخنگوی وزارت کشور روسیه اعلام کرد در این درگیری ها، ۷۰ تن از شرکت کنندگان در تظاهرات و ۷۷ مامور پلیس مجروح شدند.

درگیری ها هنگامی آغاز شد که طرفداران سندیکاهای کارگری متمایل به حزب کمونیست، کوشیدند وارد منطقه ممنوعه مرکز شهر شوند. پلیس با تمرکز تعداد زیادی مأمور، مانع ورود راهپیمایان به میدان سرخ شد. وقتی راهپیمایان مسیر خود را به سمت دانشگاه دولتی مسکو تغییر دادند، پلیس باز هم جلوی آنها را گرفت. در نتیجه، راهپیمایان با سنگ و چوب به پلیس حمله کردند. در این درگیری، اتومبیل های

\*\*\*